

۱۲۳۴۵۶۷۸۹۱۰

مکتب‌شناسی فقهی

جستاری در مکاتب قم و نجف
با نگاهی به رویکردهای نو در اجتهاد

حسین ایزدی

تقدیم به خاک پای بابُ العلمِ النَّبوی حضرت
مولی‌الموحِّدین علی بن ابی طالب «روحی له الفدا»
و تقدیم به مؤسس مذهب جعفری امام صادق علیه السلام و
فقهای بزرگ شیعه از صدر تاریخ فقهات تا دوران معاصر
به‌ویژه خمینی کبیر رحمه الله که با تشکیل حکومت دینی،
فقهات و دیانت را وارد عصری جدید کرد و به اسلام و
مسلمین عزت بخشید.

فهرست اجمالی

پیشگفتار..... ۳۷

درآمدی بر مکتب فقهی قم و نجف..... ۳۹

فصل اول: درآمدی بر مکتب شناسی فقهی / ۱۰۵

گفتار اول: درآمدی بر ضرورت، تعریف و انواع مکاتب فقهی..... ۱۰۷

گفتار دوم: نگاهی به ضرورت و فواید مکتب شناسی فقهی..... ۱۳۹

فصل دوم: درآمدی بر مکتب فقهی نجف / ۱۵۷

گفتار اول: گذری بر شیوه فقاہت شیخ اعظم انصاری..... ۱۵۹

گفتار دوم: روش شناسی استنباط صاحب جواهر..... ۱۸۷

گفتار سوم: نگاهی به رویکرد فقهی مرحوم سید کاظم یزدی..... ۲۱۷

گفتار چهارم: مکتب فقهی اعلام ثلاث..... ۲۵۱

گفتار پنجم: نگاهی به مکتب فقهی آیت الله خویی رحمته الله علیه..... ۲۷۳

گفتار ششم: درآمدی بر مکتب فقهی آیت الله خویی رحمته الله علیه..... ۲۹۳

گفتار هفتم: نگاهی به مکتب شهید آیت الله سید محمد باقر صدر..... ۳۰۷

گفتار هشتم: شهید صدر و گام‌هایی در راستای تمدن‌سازی..... ۳۳۱

پیوست (۱): حوزه نجف، در متن تحولات سیاسی..... ۳۵۱

پیوست (۲): اصول فلسفه سیاسی نجف..... ۳۷۱

فصل سوم: درآمدی بر مکتب فقهی قم / ۴۰۵

گفتار اول: مکتب فقهی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری..... ۴۰۷

- گفتار دوم: درآمدی بر مکتب فقهی مرحوم آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه ۴۲۱
- گفتار سوم: نگاهی به رویکرد کلان امام خمینی رحمته‌الله علیه به فقاہت ۴۸۵
- گفتار چهارم: درآمدی بر شاخصه‌های مکتب فقهی امام خمینی رحمته‌الله علیه .. ۵۱۵
- گفتار پنجم: دوران فقهی امام خمینی ۵۳۹

فصل چهارم: بررسی تطبیقی مکاتب فقهی / ۵۶۹

- گفتار اول: بررسی مکتب فقهی نجف، قم و سامرا ۵۷۱
- گفتار دوم: بررسی مکتب وثوق سندی و صدوری ۵۹۷

فصل پنجم: درآمدی بر رویکردهای نو در اجتهاد / ۶۱۷

- گفتار اول: جهت‌گیری حرکت آینده اجتهاد ۶۱۹
- گفتار دوم: فقه نظام از دیدگاه استاد محمدجواد فاضل لنکرانی ۶۲۹
- گفتار سوم: روش‌شناسی فقه‌های تخصصی از منظر استاد مبلّغی ۶۶۳
- گفتار چهارم: فقه نظام از دیدگاه استاد شیخ محسن اراکی ۶۸۷
- گفتار پنجم: درآمدی بر فقه‌الاجتماع ۷۱۹
- گفتار ششم: «فقه تمدنی» به مثابه یک مکتب فقهی ۷۵۷
- نمایه ۷۹۳

فهرست تفصیلی

مقدمه ۲۹

پیشگفتار / ۳۷

درآمدی بر مکتب فقهی قم و نجف / ۳۹

الف. ضرورت مکتب‌شناسی ۳۹

۱. زمینه‌سازی برای بهره‌وری بیشتر از آثار فقها ۴۱

۲. کمک به تقویت مقوله «روش‌شناسی» در تحقیقات فقهی ۴۲

۳. ضرورت تولید ادبیات توصیف‌گر برای جریان تفقه ۴۲

۴. مناسبات مکتب‌شناسی، تولید علم و تمدن‌سازی ۴۳

۵. فواید آموزشی و پژوهشی ۴۴

۶. جلوگیری از سوءاستفاده‌های جریان روشنفکری ۴۴

ب. مفاهیم و اصطلاحات ۴۶

۱. تعریف مکتب ۴۶

۲. تعریف مکتب فقهی ۴۸

۳. تعریف مکتب فقهی قم و نجف ۴۹

یک. فقه تحلیلی ۵۰

دو. فقه تطبیقی ۵۰

سه. ارزیابی اصطلاح «مکتب قم و نجف» ۵۲

- ج. عناصر بنیادین مکتب فقهی (مقومات مکتب) ۵۴
- د. نگاهی به مکتب فقهی نجف ۵۶
۱. پیشینه و ادوار تاریخی حوزه نجف ۵۶
- دوره تکوین و تثبیت ۵۶
- دوره تبعیت و رکود ۵۷
- دوره محقق اردبیلی ۵۸
- دوره اخباریان و افول آنان ۵۸
- عصر درخشش و کمال ۶۰
۲. مؤلفه‌های مکتب فقهی نجف ۶۱
- یک. مکتب فقهی صاحب جواهر ۶۱
- دو. مکتب فقهی شیخ انصاری ۶۵
- سه. مکتب فقهی آیت‌الله خویی ۶۷
- چهار. مکتب فقهی شهید صدر ۶۸
- ه. نگاهی به مکتب فقهی قم ۷۳
۱. پیشینه و ادوار تاریخی حوزه قم ۷۳
- مدرسه قم در قرن سوم هجری ۷۴
- دوران جدید حوزه علمیه قم ۷۶
۲. مؤلفه‌های مکتب فقهی قم ۷۹
- یک. مکتب فقهی آیت‌الله العظمی بروجردی رحمته‌الله علیه ۸۰
- دو. مکتب فقهی حضرت امام خمینی رحمته‌الله علیه ۹۱
- و. درآمدی بر آینده فقاہت در حوزه قم ۹۶
- یک. تلاقی مکاتب گوناگون فقهی در حوزه معاصر قم ۹۶
- دو. سطوح تحول تفقه در دوران معاصر حوزه قم ۹۸
- سطح اول: تحول و توسعه در قلمرو تفقه (مسائل نوپدید و مستحدثه) ۹۸
- سطح دوم: تحول در رویکردها و روش‌های تفقه ۱۰۰
- نتیجه‌گیری ۱۰۱
- منابع ۱۰۳

فصل اول: درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی / ۱۰۵

گفتار اول: درآمدی بر ضرورت، تعریف و انواع مکاتب فقهی / ۱۰۷

اشاره.....	۱۰۷
الف. فواید روش‌شناسی.....	۱۰۸
ب. نسبت روش‌شناسی و مکتب‌شناسی.....	۱۱۰
ج. شاخصه‌های شکل‌گیری مکتب فقهی.....	۱۱۱
۱. امکان تعددپذیری دیدگاه.....	۱۱۱
۲. وقوع تعددپذیری دیدگاه.....	۱۱۲
۳. بروز در قالب نظریه.....	۱۱۲
۴. انتاج متفاوت نظریه.....	۱۱۳
۵. برخورداری از کمیت.....	۱۱۳
د. تعریف مکتب فقهی.....	۱۱۴
ه. ضرورت مکتب‌شناسی و مکتب‌سازی.....	۱۱۵
۱. جلوگیری از دستیابی شتاب‌زده به حجت.....	۱۱۵
۲. جلوگیری از اجتهادهای تقلیدی.....	۱۱۷
و. انواع سطوح فقهی فقیه.....	۱۱۷
فقه استدلالی.....	۱۱۸
فقه فتوایی.....	۱۱۸
فقه سلوکی.....	۱۱۸
فقه ارتکازی.....	۱۱۹
ز. مکاتب اصلی فقهی.....	۱۱۹
۱. فقه تنزیهی.....	۱۲۰
۲. فقه تحلیلی.....	۱۲۱
یک. تحلیل تاریخی.....	۱۲۱
دو. تحلیل فلسفی.....	۱۲۳
سه. تحلیل عرفی.....	۱۲۴
چهار. تحلیلی واقعی.....	۱۲۴

۱۲۷	۳. فقه تطبیقی
۱۲۸	ح. نگاهی گذرا به مکتب فقهی قم و نجف
۱۳۲	ط. گذری بر مهم‌ترین مکاتب فقهی شیعه
۱۳۲	مکتب سید مرتضی
۱۳۲	مکتب شیخ طوسی
۱۳۳	مکتب شهید اول
۱۳۴	مکتب مرحوم اردبیلی
۱۳۴	مکتب صاحب جواهر
۱۳۵	مکتب محقق اصفهانی
۱۳۵	مکتب امام خمینی
۱۳۵	مکتب شهید صدر
۱۳۷	منابع

گفتار دوم: نگاهی به ضرورت و فواید مکتب‌شناسی فقهی / ۱۳۹

۱۳۹	مقدمه
۱۴۰	یکم. تعریف مختار و عناصر این تعریف
۱۴۱	الف) مبانی روش ساز
۱۴۱	ب) مراحل استنباط
۱۴۱	ج) روش استنباط
۱۴۲	دوم. فواید مکتب‌شناسی فقهی
۱۴۳	الف. فایده مکتب‌شناسی برای غیر مجتهدین
۱۴۳	۱. تسهیل در شناخت روش استنباط
۱۴۴	۲. تسریع در امر اجتهاد
۱۴۶	۳. شناخت شاگردان و نمایندگان هر روش به طور دقیق
۱۴۸	۴. شناخت مکاتب ترکیبی
۱۴۹	۵. شناخت مبانی و پیش‌فرض‌های مشاوره‌های تحصیلی
۱۵۰	ب. فواید مکتب‌شناسی برای مجتهدین
۱۵۱	۱. فائده در حل تعارضات

۲. فایده در مبحث اجزاء ۱۵۶

فصل دوم: درآمدی بر مکتب فقهی نجف / ۱۵۷

گفتار اول: گذری بر شیوه فقاہت شیخ اعظم انصاری / ۱۵۹

اشاره.....	۱۵۹
الف) تمایز فقه عبادات و معاملات شیخ.....	۱۶۰
ب) مکتب فقهی شیخ انصاری.....	۱۶۲
فقه تطبیقی.....	۱۶۳
فقه تحلیلی یا مکتب تجميع ظنون.....	۱۶۴
ج) روش تفقه شیخ در کتاب شریف مکاسب.....	۱۶۷
تأسیس اصل پیش از شروع در هر مسئله.....	۱۶۸
بررسی نحوه طرح مسئله در کلام فقها.....	۱۶۸
بررسی تاریخ طرح هر مسئله.....	۱۷۰
بررسی ادله فقها و شرح و تفسیر کلام ایشان.....	۱۷۰
تلاش برای ارائه تفسیر صحیح از کلام فقها.....	۱۷۰
آزاداندیشی در عین رعایت احترام فقها.....	۱۷۱
رعایت حوزه‌های اختصاصی علوم.....	۱۷۲
رعایت امانت در نقل اقوال.....	۱۷۲
تسلط فوق‌العاده بر همه ابواب فقه.....	۱۷۳
دسته‌بندی منظم و عالی روایات باب در هر مسئله.....	۱۷۴
توجه به رجال سند.....	۱۷۵
دقت در معنای لغوی و ترکیب ادبی عبارات.....	۱۷۶
جولان فکری فوق‌العاده در بررسی مسائل و فروع.....	۱۷۷
واقع‌بینی و پرهیز از بحث‌های انتزاعی.....	۱۷۷
د) آسیب‌شناسی فقاہت شیخ انصاری.....	۱۷۸
عدم توجه کامل به نصوص مقاصد شریعت.....	۱۷۸
کم مهری شیخ به عقل.....	۱۸۱

منابع ۱۸۵

گفتار دوم: روش‌شناسی استنباط صاحب‌جواهر / ۱۸۷

- اشاره ۱۸۷
- الف. درآمدی بر مهم‌ترین ویژگی‌های فقهات صاحب‌جواهر ۱۸۸
- جامعیت سبک فقهات صاحب‌جواهر ۱۸۸
- کامل‌نگاری فقه ۱۸۹
- یکسان بودن عمق و دقت در همه ابواب جواهر ۱۹۰
- تعبد به نص ۱۹۰
- ب. سبک‌شناسی فقهی کتاب شریف جواهر الکلام ۱۹۲
۱. روش استدلال به قرآن کریم ۱۹۲
۲. روش استدلال به روایات ۱۹۳
۳. اجماع ۱۹۵
۴. عرف ۱۹۸
۵. حکمت‌های حکم الهی ۲۰۰
۶. نقش زمان و مکان در جواهر ۲۰۱
۷. نقش علم رجال و درایه در فقه جواهری ۲۰۳
۸. اعتنا و اهتمام ویژه به بحث «مذاق شریعت» ۲۰۵
- تعریف مذاق شریعت ۲۰۶
- گستره قابلیت استناد به مذاق ۲۰۸
- کارکردهای بحث «مذاق شریعت» ۲۱۰
- «مذاق شریعت» در جواهر ۲۱۳

گفتار سوم: نگاهی به رویکرد فقهی مرحوم سید کاظم یزدی / ۲۱۷

- اشاره ۲۱۷
- الف. بررسی جنبه لغوی ۲۱۸
- ب. بیان اجمالی ادله ۲۲۰
- ج. نحوه تعامل سید با نص و نصوص متضارب ۲۲۱

۲۲۳.....	۱. حمل بر استحباب
۲۲۴.....	۲. حمل «مطلق، عام و مجمل» بر «مقید، خاص و مفصل»
۲۲۸.....	د. نحوه تعامل با روایاتی که تضارب باطنی دارند
۲۲۹.....	۱. روش تعامل سید با مسئله «تقیه»
۲۳۳.....	۲. شهرت
۲۳۵.....	ه. مرجح سندی و میزان اعتبار آن
۲۴۳.....	و «قول مشهور»، «احتیاط» و «سهولت در دین» از منظر سید یزدی

گفتار چهارم: مکتب فقهی اعلام ثلاث / ۲۵۱

۲۵۱.....	سه مکتب اصلی در فقه شیعی
۲۵۲.....	دو مسامحه در تعبیر به مکتب قم و نجف
۲۵۳.....	ویژگی های مدرسه نجف
۲۵۴.....	درآمدی بر مدرسه میرزای نائینی رحمته الله علیه
۲۵۴.....	الف) ویژگی های اصولی مرحوم نائینی رحمته الله علیه
۲۵۴.....	رفع اشکال از کلام شیخ با ارائه تقریر جدید
۲۵۴.....	بیان برهانی در تبیین مسائل اصولی
۲۵۵.....	میناسازی و التزام به همان مبنا در دیگر مسائل
۲۵۶.....	ابتکار و نوآوری های مهم
۲۵۶.....	قضایای حقیقه و خارجیه
۲۵۷.....	ب) ویژگی های فقه مرحوم نائینی رحمته الله علیه
۲۵۷.....	پرهیز از تتبع و نقل گسترده اقوال
۲۵۷.....	دقت های عقلی و قابل توجه
۲۵۷.....	برخوردار از شاگردان برجسته
۲۵۸.....	نکاتی دیگر درباره فقه مرحوم نائینی
۲۶۰.....	مرحوم نائینی در بیان یکی از شاگردان و نزدیکان برجسته ایشان
۲۶۰.....	نکاتی درباره سیره علمی مرحوم نائینی
۲۶۲.....	مرحوم آیت الله نائینی و تأکید بر تقریرنویسی
۲۶۳.....	مرحوم آیت الله نائینی و شاگردپروری

۲۶۴	درآمدی بر مدرسه محقق اصفهانی
۲۶۴	تبحر در علوم عقلی و فلسفه
۲۶۶	ضرورت تدریس تخصصی «نهایة الدرایة»
۲۶۶	کتابی مهم از مرحوم اصفهانی در اصول
۲۶۷	نکاتی درباره فقه مرحوم اصفهانی
۲۶۷	توجه به آرای علمای هم عصر خویش
۲۶۸	عرصه‌های پژوهشی حول اندیشه‌های مرحوم اصفهانی
۲۷۰	درآمدی بر مدرسه محقق عراقی
۲۷۰	برخورداری از قدرت فوق العاده «نقد»
۲۷۰	توجه به اندیشه‌های صاحب نظران هم عصر خویش
۲۷۱	نکاتی درباره فقه محقق عراقی

گفتار پنجم: نگاهی به مکتب فقهی آیت‌الله خویی رحمته‌الله علیه / ۲۷۳

۲۷۳	اشاره
۲۷۴	الف. نگاهی به شخصیت علمی آیت‌الله خویی رحمته‌الله علیه
۲۷۴	۱. نگاهی به سلوک شخصیتی و علمی آیت‌الله خویی
۲۷۵	۲. شیوه تدریس آیت‌الله خویی
۲۷۶	۳. ویژگی‌های علمی آیت‌الله خویی
۲۷۶	۴. تفسیر آیت‌الله خویی
۲۷۷	۵. ادامه دهندگان منهج آیت‌الله خویی
۲۷۹	ب. نگاهی به مکتب فقهی آیت‌الله خویی
۲۷۹	آیت‌الله خویی، فقیهی صاحب مکتب
۲۸۰	مروری بر تاریخ گرایش فقها به رجال
۲۸۱	عامل گرایش آیت‌الله خویی به رجال
۲۸۲	اصول متعلقات آیت‌الله بروجردی
۲۸۷	ملاحظات بر مبنای رجالی آیت‌الله خویی
۲۹۰	انتقاد از طرح دوگانه «مکتب قم و نجف»

گفتار ششم: درآمدی بر مکتب فقهی آیت الله خویی رحمته الله علیه / ۲۹۳

- اشاره..... ۲۹۳
- الف. ویژگی های اصولی آیت الله خویی..... ۲۹۴
۱. تسلط و اشراف فوق العاده بر اصول..... ۲۹۴
۲. تقریر و تبیین قوی و جدید از اقوال دیگران..... ۲۹۵
- ب. ویژگی های فقهی آیت الله خویی..... ۲۹۸
۱. اتخاذ مبنا در اصول و حرکت براساس مبنا در فقه..... ۲۹۹
۲. میزان اهمیت آیت الله خویی به عرف در فقه..... ۲۹۹
۳. برخی می گویند فقه آیت الله خویی، فقه فرمولی و قاعده ای است؟..... ۳۰۰
۴. چرا در فقه آیت الله خویی تتبع چندانی به چشم نمی خورد؟..... ۳۰۱
- ج. تطور رویکرد رجالی آیت الله خویی..... ۳۰۱
- د. تفاوت های آیت الله خویی و آیت الله وحید خراسانی..... ۳۰۲
- ه. تفاوت های آیت الله تبریزی و آیت الله وحید خراسانی..... ۳۰۳
- و. نظر آیت الله خویی درباره تشکیل حکومت دینی..... ۳۰۳
- ز. ویژگی های شخصیتی و خاطراتی از آیت الله خویی..... ۳۰۴

گفتار هفتم: نگاهی به مکتب شهید آیت الله سید محمدباقر

صدر / ۳۰۷

- اشاره..... ۳۰۷
- الف. تفاوت مکاتب فقهی نجف و قم..... ۳۰۹
- ب. ابتکارات مهم اصولی (شهید صدر آغازگر دوره جدید علم اصول)..... ۳۱۰
۱. جمع بین حکم ظاهری و واقعی و تراحم حفظی..... ۳۱۱
۲. نظریه حق الطاعه..... ۳۱۲
۳. ریشه یابی و تعمیق بحث سیره عقل و متشرعه..... ۳۱۴
۴. ابداع در تبویب علم اصول..... ۳۱۶
- ج. نظام های فقهی در نگاه شهید صدر..... ۳۱۸
۱. نگاه ویژه حکومتی شهید صدر به اسلام..... ۳۲۲

۲. تحقق آرزوی انبیا با پیروزی انقلاب ۳۲۶
- د. نسبت نجف امروز با مکتب علمی و جهادی شهید ۳۲۷
- گفتار هشتم: شهید صدر و گام‌هایی در راستای تمدن‌سازی / ۳۳۱
- اشاره ۳۳۱
- بخش اول: مقدمات ۳۳۲
- اسلام، دین تمدن‌ساز ۳۳۲
- تحول حوزه‌های علمیه در راستای رسالت تمدن‌سازی از منظر شهید صدر ۳۳۲
- موانع تمدن‌سازی اسلامی و چگونگی فائق آمدن بر آن‌ها ۳۳۳
- سطوح اقدام شهید صدر برای حرکت به سوی تمدن‌سازی اسلامی .. ۳۳۴
- دو بُعد اصلی تمدن و مسئولیت مهم حوزه علمیه در فرایند تمدن‌سازی اسلامی ۳۳۵
- اقدامات شهید صدر در بعد نرم‌افزاری تمدن‌سازی ۳۳۶
- بخش دوم: فقه و تمدن‌سازی، رویکردها و مراحل ۳۳۶
- رویکرد اجتماعی به فقه و فقه حکومتی ۳۳۶
- فقه مضاف ۳۳۷
- فقه نظام و نظام‌سازی فقهی ۳۳۸
- تقابل نظام‌سازی اسلامی و فقهی با سکولاریسم ۳۳۹
- عدم وجود نظام‌های اسلامی یا عدم التزام به آن‌ها، مسأله است با سکولاریسم ۳۴۰
- نتیجه عینی و تاریخی عدم نظام‌سازی فقهی ۳۴۰
- شهید صدر و رویکرد اجتماعی و حکومتی به اسلام و فقه ۳۴۱
- شهید صدر و نظام‌سازی فقهی ۳۴۳
- اقتصادنا، تجربه‌ای منحصر به فرد در کشف مکتب و نظام‌سازی فقهی در عرصه اقتصاد اسلامی ۳۴۴
- تلاش برای نظام‌پردازی اسلامی در عرصه بانک‌داری ۳۴۶
- شهید صدر و نظریه‌پردازی قرآنی برای تولید علوم انسانی اسلامی ۳۴۶

فهرست تفصیلی ■ ۱۷

خلاصه سطح اول و دوم از اقدامات شهید صدر برای حرکت به سوی	
تمدن‌سازی اسلامی.....	۳۴۸
شهید صدر و تولید آثار برای عموم طلاب جوان و جامعه	۳۴۸

پیوست (۱): حوزه نجف، در متن تحولات سیاسی / ۳۵۱

اشاره.....	۳۵۱
الف. تطور حوزه‌های علمیه شیعه در جغرافیای شیعه	۳۵۱
ب. ضرورت تغییر رویکرد کلان در نگاه به مسئله	۳۵۳
ج. سیر تحولات حوزه نجف در مواجهه با تمدن غربی.....	۳۵۵
۱. تغییر ادبیات و سبک نوشتاری حوزه	۳۵۶
۲. تغییر سبک اداره اجتماع و ایده مراجع محلی	۳۵۹
۳. نهضت‌های ضد استعماری به رهبری علما	۳۶۴
۴. نجف معاصر و رفتارشناسی آیت‌الله خویی رحمته‌الله علیه	۳۶۷

پیوست (۲): اصول فلسفه سیاسی نجف / ۳۷۱

اشاره.....	۳۷۱
درآمد	۳۷۲
الف. فلسفه سیاسی و اندیشه‌های اجتماعی در غرب تأثیر آن در ایران.....	۳۷۴
ب. ماهیت تفکر غرب و نقد اقتباس آن در فلسفه تجدد ایران	۳۷۶
نقد اصول تمدن و مدنیت غرب.....	۳۷۸
نقد رواج فرنگی‌بازی و اجنبی‌زدگی در ایران.....	۳۸۱
اصول تمدن‌سازی و تطبیق ماهیت تمدن غرب و اسلام	۳۸۱
ج. غرب‌شناسی ایرانیان یا نگرش به غرب و غربیان (تقلید، اقتباس، نقد).....	۳۸۳
انعکاس مظاهر تمدنی جدید و نقد فکری آن در نجف	۳۸۴
مشروطه ضدانگلیسی در نجف	۳۸۶
ماهیت استعمار غرب و ضرورت بیداری اسلامی	۳۸۸
د. ضرورت حکومت و حاکمیت اندیشه دینی و ارتباط سایر مفاهیم با آن.....	۳۹۳
۱. نقش دین در اعتلای ملت (اندیشه سیاسی عصبيت یا شعور دینی	

- معطوف به قدرت) ۳۹۳
۲. ضرورت حاکمیت و ماهیت قانونی دینی در جامعه و بحث تاریخی و
سیاسی پیرامون موانع آن ۳۹۵
۳. اصول جامعه و نظام مدنی اسلامی و ضرورت فهم ماهیت اصلاح طلبی
در نهضت مشروطیت ۳۹۶
۴. اصلاح نظام حکومتی و اداری و اجتماعی ایران ۳۹۷
۵. اصلاح در نظام آموزشی، مدارس دینی و معارف و علوم ۳۹۸
۶. اندیشه سیاسی اتحاد اسلامی در راستای تحقق بیداری و تمدن
اسلامی ۳۹۹
- گفت و گوی دینی و پرهیز از هیجانات فرق ۴۰۱

فصل سوم: درآمدی بر مکتب فقهی قم / ۴۰۵

گفتار اول: مکتب فقهی آیت الله حاج شیخ عبدالکریم حائری / ۴۰۷

- اشاره ۴۰۷
- الف. ثمره روش شناسی یک مکتب ۴۰۸
- ب. گذری بر مکتب فقهی قم و نجف ۴۰۹
- ج. مکتب ریاضی و مکتب تجميع ظنون ۴۱۰
- د. مکتب شناسی و روش شناسی حاج شیخ ۴۱۳
۱. گذری اجمالی بر زندگی حاج شیخ ۴۱۳
۲. عناصر مهم در روش شناسی فقهی ۴۱۴
- نوع مواجهه با اسناد اربعه ۴۱۴
- مقاصد الشریعه ۴۱۴
- گذار از مسائل خرد به مسائل کلان ۴۱۵
- نگاه تاریخی به مسائل ۴۱۵
- صناعت محور یا تجميع ظنونى بودن ۴۱۵
۳. ارزیابی مکتب فقهی مرحوم حاج شیخ ۴۱۷

گفتار دوم: درآمدی بر مکتب فقهی مرحوم آیت الله بروجردی رحمته الله علیه / ۴۲۱

۴۲۱.....	اشاره
۴۲۲.....	درآمد
۴۲۲.....	الف. حضور آیت الله بروجردی در حوزه اصفهان
۴۲۴.....	ب. حضور آیت الله بروجردی در حوزه نجف
۴۲۷.....	ج. بازگشت از نجف و ورود به حوزه علمیه قم
۴۲۸.....	ارتباط با شیخ الشریعۀ اصفهانی
۴۲۸.....	التزام به درس آخوند خراسانی رحمته الله علیه
۴۲۹.....	د. آیت الله بروجردی رحمته الله علیه ، فقیه مکتب ساز
۴۳۱.....	ه. مکتب نجف
۴۳۲.....	مکتب نجف و پیدایش «فقه فنی»
۴۳۴.....	جایگاه رجال در مکتب نجف
۴۳۶.....	ارزیابی مکتب رجالی مرحوم آیت الله خویی رحمته الله علیه
۴۳۸.....	و. مکتب اصفهان
۴۴۰.....	رجال در مکتب اصفهان
۴۴۴.....	ز. شاخصه های مکتب فقهی آیت الله العظمی بروجردی رحمته الله علیه
۴۴۴.....	اصول متعلقات
۴۴۷.....	یک. شهرت از منظر آیت الله بروجردی رحمته الله علیه
۴۴۹.....	دو. «شهرت معتبر» از منظر آیت الله بروجردی
۴۵۰.....	سه. اعتبار شهرت متأخرین از منظر آیت الله بروجردی
۴۵۱.....	چهار. ثمره این تفکر و مبنا
.....	پنج. آیا معیاری برای بازشناسی اجتهاد از اصول متعلقات در بین آثار
۴۵۱.....	فقه های متقدم داریم؟
۴۵۲.....	زمینه، جهت و تاریخ صدور روایات
۴۵۴.....	نمونه ای از آثار توجه به زمینه صدور روایت
۴۵۴.....	معنای صحیح حاشیه بودن فقه شیعه بر فقه عامه

رجال در مکتب آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه	۴۵۵
نحوه برخورد با تعبیر «ضعیف» در رجال از منظر آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه	۴۵۷
جایگاه مرحوم صدوق رحمته‌الله علیه نزد آیت‌الله بروجردی رحمته‌الله علیه	۴۵۸
فقه‌الحديث در مکتب آیت‌الله بروجردی	۴۶۰
ضابطه‌ای برای اعمال فقه‌الحديث؛ تفکیک بین مقام تعلیم و مقام استفتاء	۴۶۳
ضرورت دستیابی به فتاوی‌های فقه‌ای عامه	۴۶۴
مشکل فقدان منابع اولیه از فقه‌ای عامه	۴۶۶
جایگاه علم اصول و تعریف اجتهاد در مکتب آیت‌الله بروجردی	۴۶۷
ح. تأثیر مکتب قم بر حل مسائل مستحدثه	۴۷۱
ط. آیت‌الله بروجردی و مسئله ولایت فقیه	۴۷۳
ی. حکایات‌هایی از عملکرد و زعامت آیت‌الله بروجردی	۴۷۴
حکایت اول	۴۷۴
حکایت دوم	۴۷۵
حکایت سوم	۴۷۵
حکایت چهارم	۴۷۷
حکایت پنجم	۴۷۸
حکایت ششم	۴۷۸
حکایت هفتم	۴۷۹
ک. عوامل امتداد نیافتن مکتب آیت‌الله بروجردی	۴۸۰
۱. دشواری سبک آیت‌الله بروجردی	۴۸۱
۲. جلوه‌گری علمی بالای نجف	۴۸۲
نظر آیت‌الله خویی درباره آیت‌الله بروجردی	۴۸۳
گفتار سوم: نگاهی به رویکرد کلان امام خمینی رحمته‌الله علیه به فقهت / ۴۸۵	
اشاره	۴۸۵
مقدمه: اهمیت بحث از «روش‌شناسی اجتهاد»	۴۸۶

فهرست تفصیلی ■ ۲۱

- الف. تفاوت مکتب فقهی امام خمینی و دیگر مکاتب ۴۸۷
۱. امام رحمته الله علیه، پرچم‌دار تحول در علوم و معارف اسلامی ۴۸۹
 ۲. امام رحمته الله علیه به دنبال تحول در جامعه جهانی و ایجاد بستر ظهور ۴۹۱
 ۳. اطلاع امام رحمته الله علیه از شیوه پیشبرد مأموریت جهانی انقلاب اسلامی .. ۴۹۱
 ۴. ویژگی دیدگاه امام رحمته الله علیه در باب حکومت دینی و ولایت فقیه ۴۹۲
 ۵. فقه حکومتی مبتنی بر اندیشه‌های حضرت امام رحمته الله علیه ۴۹۴
 - سه رویکرد به فقه حکومتی ۴۹۴
 - ب. افق‌گشایی‌های امام رحمته الله علیه نسبت به جایگاه «حکومت» و «فقه» ۴۹۵
 ۱. اصالت «حکومت» نسبت به احکام شرعی ۴۹۶
 ۲. مأموریت حکومت، تربیت توحیدی نفوس و تحقق جمیع مراتب دین ۴۹۷
 ۳. دیدگاه کامل امام رحمته الله علیه درباره جایگاه حکومت ۵۰۰
 ۴. ولایت فقیه، رأس همه احکام اولیه ۵۰۳
 ۵. حاکمیت قانون الهی بر رفتار حکومت اسلامی ۵۰۷
 ۶. نقش «فقه»، سرپرستی و اداره تمام شئون انسان ۵۰۸
 - ج. تمدن‌سازی غربی، مسئله مستحذثه پیش روی حضرت امام رحمته الله علیه ۵۰۹

گفتار چهارم: درآمدی بر شاخصه‌های مکتب فقهی امام

خمینی رحمته الله علیه / ۵۱۵

- اشاره ۵۱۵
- الف. مراد از مکتب فقهی ۵۱۵
- ب. مکتب فقهی امام خمینی رحمته الله علیه ۵۱۷
- ج. قرائت حداکثری از فقه ۵۱۹
- د. حجیت و کارآمدی ۵۲۱
- ه. عقلانیت ۵۲۴
- و. پویایی فقه ۵۲۵
- ز. رویکرد حکومتی به فقه ۵۲۷
- ح. اعتنا به مقاصد شریعت ۵۲۹

ط. توجه به عنصر مصلحت در فقه	۵۳۲
ی. نگاه نظام‌واره به فقه	۵۳۶
منابع	۵۳۸

گفتار پنجم: دوران فقهی امام خمینی / ۵۳۹

مقدمه	۵۳۹
الف) اسفار معنوی بشریت؛ چهار سفر در دل چهار سفر	۵۴۱
ب) جایگاه فقه امام خمینی رحمته الله علیه در ادوار فقه	۵۴۴
ج) نسبت عرفان امام و فقه او	۵۴۸
د) اصول کلی مکتب فقهی حضرت امام رحمته الله علیه	۵۵۱
۱. فقه زمان و مکان (پویایی فقه)	۵۵۲
۲. خطابات قانونیه	۵۵۴
۳. مصلحت	۵۵۷
۴. ولایت مطلقه فقیه	۵۵۹
۵. ولایت مردم بر مردم	۵۶۱
جمع‌بندی	۵۶۲
منابع	۵۶۶

فصل چهارم: بررسی تطبیقی مکاتب فقهی / ۵۶۹

گفتار اول: بررسی مکتب فقهی نجف، قم و سامرا / ۵۷۱

اشاره	۵۷۱
الف. واکاوی معانی مکتب	۵۷۲
معنای لغوی	۵۷۲
معنای اصطلاحی	۵۷۲
معنای مکتب در حوزه علوم اسلامی	۵۷۳
ب. مکاتب فقهی	۵۷۳
۱. مکتب اصولیون	۵۷۴

فهرست تفصیلی ■ ۲۳

۵۷۴	 بررسی
۵۷۵	 ۲. مکتب اخباریون
۵۷۵	 بررسی
۵۷۶	 ۳. رویکرد قواعدگزیز
۵۷۶	 بررسی
۵۷۷	 ج. ارزیابی طبقه‌بندی مکاتب فقهی براساس موقعیت جغرافیایی
۵۸۰	 د. مکتب نجف
۵۸۶	 ه. مکتب قم
۵۸۶	 نخست: استظهارات عرفی
۵۸۷	 دوم: استظهارات فقهی
۵۹۱	 و. مکتب سامرا
۵۹۳	 ز. بررسی امتدادهای سیاسی مکتب قم و نجف

گفتار دوم: بررسی مکتب وثوق سندی و صدور / ۵۹۷

۵۹۷	 اشاره
۵۹۸	 الف. منابع تحقیق
۵۹۹	 ب. مدخل: اصطلاح‌شناسی
۵۹۹	 ۱. منهج فقهی
۶۰۰	 مکتب فقهی
۶۰۱	 ج. تعریف و ویژگی‌های مکتب وثوق صدور در رجال و فقه
۶۰۱	 ویژگی اول: اعتماد بر قرائن در توثیق روایت
۶۰۱	 ۱. کتاب محوری
۶۰۲	 ۲. تعدد نقل روایت در یک عصر
۶۰۳	 ۳. عمل فقه‌های متقدم
۶۰۳	 انواع کتب قدما از منظر آیت الله بروجردی
۶۰۵	 ویژگی دوم: اعتماد بر قرائن در توثیق راوی
۶۰۶	 شیخ طوسی رحمته الله علیه پایه‌گذار مکتب وثوق صدور
۶۰۷	 د. مکتب وثوق سندی

- ه. شخصیت آیت‌الله العظمی بروجردی ۶۰۹
 و. شخصیت آیت‌الله العظمی خویی ۶۱۰
 ز. عامل عدول آیت‌الله خویی از مکتب وثوق صدوری ۶۱۲
 ح. جمع‌بندی ۶۱۴

فصل پنجم: درآمدی بر رویکردهای نو در اجتهاد / ۶۱۷

گفتار اول: جهت‌گیری حرکت آینده اجتهاد / ۶۱۹

- الف. هدف از حرکت اجتهاد ۶۲۰
 ب. آغاز تحول و گسترش هدف ۶۲۲
 ج. نتایج انقباض در هدف ۶۲۴
 د. جهت‌گیری‌های آینده حرکت اجتهاد ۶۲۷

گفتار دوم: فقه نظام از دیدگاه استاد محمدجواد فاضل لنکرانی / ۶۲۹

- چکیده ۶۲۹
 مقدمه ۶۳۰
 الف. فقه نظام و دیدگاه‌های مختلف درباره آن ۶۳۲
 ب. استاد فاضل لنکرانی و پذیرش رویکرد حصولی در فقه نظام ۶۳۳
 ج. استاد فاضل لنکرانی و نقد رویکرد تحصیلی در فقه نظام ۶۳۸
 د. فقه موجود، بستر دستیابی به فقه نظام ۶۴۱
 ه. نظام؛ ماهیت، اجزا و روش دستیابی به آن ۶۴۲
 و. ویژگی‌ها و مختصات فقه نظام ۶۴۴
 ز. فقه حکومتی و نسبت آن با فقه نظام ۶۴۷
 یک. امکان فقه حکومتی ۶۴۷
 دو. ماهیت و ضرورت فقه حکومتی: ۶۴۹
 سه. «تقدم حکومت بر احکام» اساس گفتمان انقلاب اسلامی و فقه حکومتی: ۶۵۱
 چهار. حکومتی بودن؛ وصف فقه یا تفقه؟ ۶۵۳

۶۵۵	پنج. «رویکرد انگاری» فقه حکومتی:
۶۵۶	جمع‌بندی و نتیجه‌گیری
۶۶۰	منابع

گفتار سوم: روش‌شناسی فقه‌های تخصصی از منظر استاد مبلغی / ۶۶۳

۶۶۳	مقدمه
۶۶۴	الف. چیستی و انواع «فقه تخصصی»
۶۶۴	یک. چیستی
۶۶۷	دو. ویژگی‌های فقه تخصصی
۶۶۸	سه. نمونه‌هایی از فقه تخصصی
۶۷۲	ب. چرایی «فقه تخصصی» و روش‌شناسی آن
۶۷۲	یک. فواید و ضرورت‌های فقه تخصصی
۶۷۳	دو. وضعیت کنونی فقه تخصصی
۶۷۴	ج. روش‌شناسی فقه‌های تخصصی
۶۷۵	د. چگونگی «فقه تخصصی»
۶۷۶	یک. تعیین علم مرجع
۶۷۷	دو. موضوع‌شناسی
۶۷۹	سه. کشف یا تنقیح «نظریه کلامی (دینی)»
۶۷۹	چهار. تأسیس یا تنقیح «نظریه فقهی»
۶۸۰	پنج. عملیات استنباط احکام
۶۸۲	ه. بایسته‌ها و لوازم شکل‌گیری فقه‌های تخصصی
۶۸۵	خاتمه

گفتار چهارم: فقه نظام از دیدگاه استاد شیخ محسن اراکی / ۶۸۷

۶۸۷	چکیده
۶۸۸	الف. مقدمه
۶۹۰	ب. مفاهیم کلیدی

۱. نظام ۶۹۰
۲. حکم اصلی و سلطانی ۶۹۱
- ج. فقه نظام در گستره موضوعی و محمولی ۶۹۲
۱. شکل‌گیری جامعه براساس وحدت اراده‌ها و اراده جمعی ۶۹۵
۲. تکالیف کلان در منابع قرآنی - روایی ۶۹۶
۳. تشریع همه احکام شرعی در چارچوب نظام ولایی ۶۹۸
۴. تکلیف متوجه به شخص حاکم، زیرمجموعه تکالیف کلان ۷۰۲
۵. چپستی فقه نظام ۷۰۳
۶. وجه تسمیه فقه نظام ۷۰۴
- د. فقه حکومتی ۷۰۴
- عرصه‌های فقه حکومتی ۷۰۶
- ه. فقه و نظام‌های اجتماعی در بستر تغییرات زمان ۷۰۷
- و. نسبت فقه نظام و نظام‌سازی ۷۱۲
- ز. نتیجه‌گیری ۷۱۳
- کتاب‌نامه ۷۱۶

گفتار پنجم: درآمدی بر فقه الاجتماع / ۷۱۹

- اشاره ۷۱۹
- درآمد ۷۲۰
- الف) مفاهیم اصلی ۷۲۳
- یک. تعریف فقه الاجتماع ۷۲۳
- دو. تعریف اجتهاد در فقه الاجتماع ۷۲۶
- ب) گستره فقه الاجتماع ۷۲۹
- یک. گستره فقه الاجتماع به لحاظ موضوع (فعل مکلف) ۷۳۰
- آثار و فوائد تفکیک بین گونه‌های مکلف در فقه الاجتماع ۷۳۴
- دو. گستره فقه الاجتماع به لحاظ سنخ حکم ۷۳۵
۱. احکام رفتاری ۷۳۵
۲. احکام راهبردی ۷۳۶

فهرست تفصیلی ■ ۲۷

۱. احکام ساختاری	۷۳۸
ج. روش‌های فقه‌الاجتماع	۷۳۹
یک. روش اجتهادی قسم اول	۷۳۹
دو. روش اجتهادی قسم دوم	۷۴۱
سه. روش اجتهادی قسم سوم	۷۴۴
چهار. روش اجتهادی قسم چهارم	۷۴۷
نتیجه	۷۵۳
منابع	۷۵۴

گفتار ششم: «فقه تمدنی» به مثابه یک مکتب فقهی / ۷۵۷

اشاره	۷۵۷
مقدمه	۷۵۸
الف. مقصود از «فقاها و اجتهاد» در مکتب فقه تمدنی	۷۶۱
ب. مقصود از «تمدن» در فقه تمدنی	۷۶۲
ج. فقه تمدنی و ارتباط آن با مقیاس کلان	۷۶۵
د. تفاوت فقه تمدنی با برخی اصطلاحات رایج	۷۶۷
ه. غایت و کارکرد «فقه تمدنی»	۷۶۹
و. امکان فقه تمدنی	۷۷۳
ز. چگونگی فقه تمدنی	۷۷۴
یک. روش کشف معنای مربوط به مصادیق کلان	۷۸۳
نتیجه و نمونه مثال	۷۸۴
دو. روش ترکیب ادله برای رسیدن به یک سیستم و نظام	۷۸۶
و. جمع‌بندی و نتیجه‌گیری	۷۸۹
ز. آینده فقه تمدنی	۷۹۰
منابع	۷۹۱

• مقدمه

یکم: در سال‌های آغازین دهه نود شمسی، کلان‌پروژه‌ای تحقیقاتی با عنوان «درآمدی بر مکاتب و جریان‌های فکری، علمی، سیاسی و عرفانی حوزه‌های علمیه» طراحی کردم که در همان سال‌ها در مقاله‌ای با همین عنوان بخش‌هایی از آن منتشر شد.^۱ بنا بود که ذیل جریان‌های علمی، به مکتب‌شناسی فقهی، فلسفی، کلامی و عرفانی معاصر پرداخته و شاخصه‌های هریک را اصطیاد و گردآوری کنیم. در همان سال‌ها با برجستگان فلسفه، کلام و عرفان حوزه علمیه قم گفت‌وگوهایی دراین‌باره صورت پذیرفت و با همراهی و تشویق و استقبال ایشان روبه‌رو شد، اما برخی موانع موجب شدند پروژه، متناسب با برنامه طراحی شده پیش نرود؛ اثر پیش رو درواقع بخشی از آن کلان‌پروژه به‌شمار می‌آید.

دوم: اینکه در بین مکاتب علمی کار را از مکاتب فقهی آغاز کردیم، سه دلیل اصلی داشت؛ از یک سو خلأ دانش مدون در زمینه مکتب‌شناسی فقهی آسیب‌هایی در پی داشت که باید برای رفع آن گامی برمی‌داشتیم؛ از سوی دیگر کمک به ایجاد خودآگاهی در این زمینه امری ضروری به

۱. ایزدی، حسین، آسیب‌شناسی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، صص ۱۹۷ - ۲۵۳.

نظر می‌رسید؛ همچنین در اوائل دهه نود شمسی برخی خرده‌جریان‌ها به روایت‌های ناقص، جهت‌دار و با رنگ و بوی سیاسی نسبت به مکاتب قم و نجف اقدام کرده بودند که از بن‌مایه‌های علمی تهی بود و خلأ یک پژوهش فنی را به‌خوبی نشان می‌داد؛ کتاب سه اسلام: مکتب نجف، مکتب قم، مکتب تهران اثر یکی از ژورنالیست‌های جریان روشنفکری و تعدادی از ویژه‌نامه‌های ماهنامه «مهرنامه»، برخی از این موارد به‌شمار می‌آمد که اهداف خاصی را دنبال می‌کرد. پاسخ به این تولیدات نیز ضرورت دیگری بود که ایجاب می‌کرد پروژه از مکاتب فقهی آغاز شود.

سوم: فرایند تحقیق، نگارش، مصاحبه و تولید این اثر که از حوالی سال ۱۳۹۴ش آغاز شده بود، با فراز و نشیب‌هایی همراه بود. هدف ما معرفی شاخصه‌های مکاتب یا مناهج فقهی فقهای عظام حوزه قم و نجف بود؛ از این‌رو ابتدا فهرستی از شخصیت‌های برجسته این حوزه‌ها فراهم آمد و متناظر با هریک از آن اساطین، نام اساتید و صاحب‌نظران و مدرسان حوزه‌های علمیه قم، نجف و مشهد که امکان توصیف آن مناهج را داشتند، تهیه شد. در این مسیر با بیش از ۵۰ چهره شاخص حوزوی گفت‌وگوهای اولیه صورت پذیرفت و با برخی مراجع عظام تقلید گفت‌وگوهایی حضوری و اولیه برای توضیح اصل دغدغه انجام شد، اما متأسفانه امکان گفت‌وگوی تفصیلی و مصاحبه اختصاصی با همه این عزیزان فراهم نشد.

دشواری‌های تولید چنین اثری در بدو امر به‌چشم نمی‌آید. در حالی که تولید یک مطلب فرآیندی چندمرحله‌ای را طی کرده است. دربرخی موارد فرایند انجام یک مصاحبه گاه بیش از یکسال به طول می‌انجامید. دریافت وقت مصاحبه، انجام مصاحبه، پیاده‌سازی و ویراستاری، نمایه‌زنی و تیرگذاری، ارائه متن پیاده‌شده به استاد مربوطه جهت تأیید و انجام ملاحظات و اصلاحات، اعمال اصلاحات و نهایی کردن یک متن، در مواردی

به دلیل محدودیت زمانی اساتید، گاه تا بیش از یکسال به طول می انجامید. در مواردی که امکان مصاحبه فراهم نشد، از برخی دوستان فاضل درخواست نگارش مقاله شد و در مواردی مطالب تولید شده و موجود در موضوعی را با ویراست جدید و اصلاحات و اضافات مورد استفاده قرار دادیم و در مواردی نیز شخصاً به نگارش و تدوین مقالاتی اقدام کردیم؛ از همین رو، این اثر تنها یک گردآوری ساده یا چند مصاحبه ساده نبوده و محصول چند سال تلاش مستمر و اقدامات متنوع است. می توان محتوای موجود در اثر پیش روی را به چند دسته تقسیم بندی کرد:

الف) مطالبی که محصول یک یا چند جلسه مصاحبه نگارنده این سطور با اساتید محترم بوده است.

ب) مقالاتی که به قلم نگارنده یا با درخواست نگارنده و صرفاً برای درج در این کتاب به نگارش درآمده است.

ج) مطالبی که از بین آثار مختلف، مقالات و مصاحبه های یک استاد گردآوری و در قالب متنی منسجم تدوین شده و زیر نظر همان استاد، اصلاح و برای اولین بار در این مجموعه عرضه می شود. برخی اساتید به دلیل فقدان فرصت مصاحبه ما را به آثار مختلف خود ارجاع دادند تا از بین آن متنی نو تولید شود.

د) مواردی که پیش از این تولید شده بودند و به دلیل غنای بالای مطلب و فقدان محتوای مشابه در آن زمینه، با تلخیص یا تکمیل و برخی تغییرات در این مجموعه منتشر شده اند؛ تنها دو سه مورد از مطالب کتاب از این دسته بوده و حجم زیادی را به خود اختصاص نمی دهد. از این روی حجم اصلی محتوای کتاب را مطالب تولیدی و نو تشکیل می دهد.

چهارم: مصاحبه ها به صورت گفت و گوی طرفینی و همراه با پرسش و پاسخ بوده که برای یکسان سازی سبک ارائه محتوا، تلاش شد در بیشتر موارد پرسش ها از متن حذف گردیده و پاسخ ها به صورت متنی منسجم و

یکپارچه تدوین گردید.

پنجم: این اثر ابتدا در سال ۱۳۹۸ش با عنوان درآمدی بر مکتب فقهی قم و نجف در حالی منتشر شد که مبتلا به اشکالات متعدد ویرایشی و محتوایی بوده و برای مؤلف نیز رضایت بخش نبود و با تراز در نظر گرفته شده فاصله جدی داشت. با این همه به دلیل بدیع بودن موضوع، مورد استقبال اهل فضل قرار گرفت تاجایی که در یکی از دانشگاه‌های قم به عنوان منبع درسی دوره دکتری، در چند ترم متوالی مورد استفاده و مراجعه قرار گرفت. اما کاستی‌های متعدد آن اثر موجب شد مسیر ارتقای آن را در پیش بگیریم که سبب شد اثر پیش رو تفاوت‌های بنیادین و اساسی با ویراست قبلی پیدا کند.

ویراست جدید علاوه بر عمده مطالب ویراست اول، شامل ۱۸ مقاله و مصاحبه جدید است و از این رو کتابی جدید و اثری مستقل به شمار می‌آید؛ همچنین مطالب مشترک آن با اثر قبلی اصلاح، تکمیل و ارتقاء یافته است. برای ارتقای سطح اثر از ۳ مورد مصاحبه که در ویراست قبلی بود نیز چشم‌پوشی شده و در این ویراست از آن‌ها استفاده نشد. از سوی دیگر، ساختار کتاب در این ویراست به کلی تغییر کرده است و سیری منطقی‌تر به خود گرفته است؛ از دیگر سو، افزودن فصل پنجم با عنوان «درآمدی بر رویکردهای نو در اجتهاد» به غنای کتاب افزوده و می‌تواند به عنوان یک منبع مطالعاتی در این زمینه قلمداد شود.

ششم: مروری بر فصول و محتوای کتاب:

در ابتدای کتاب در بخش پیش‌گفتار کوشیدیم نگاهی کلان به جغرافیای بحث داشته باشیم. در این بخش از ضرورت، مفهوم و ابعاد بحث از مکتب‌شناسی فقهی می‌پردازیم. سپس با مروری بر تاریخچه و پیشینه مکتب نجف و قم تلاش شد از مهمترین نکاتی که در توصیف این دو مکتب از مصاحبه‌ها و محتوای کتاب تولید شده بود، گزارشی اجمالی

داده شود. پیشگفتار به نحوی مروری بر محتوای اصلی کتاب، اصطیاد نکات برجسته و صورت‌بندی مفهومی این نکات در توصیف مکتب قم و نجف است. البته در تنظیم این بخش به محتوای موجود در کتاب اکتفا نشده و از دیگر منابع نیز بهره بردیم. هدف اصلی از این بخش ایجاد نوعی نگرش مفهومی و جلوگیری از سردرگمی در انبوه مطالب کتاب بود. از سوی دیگر در این بخش تقریری نواز تاریخ تطورات حوزه علمیه قم در سده اخیر و سطوح تحول تفقه در عصر اخیر ارائه شده است.

فصل اول به کلیات، ضرورت و مفهوم‌شناسی مکتب‌شناسی فقهی می‌پردازد. چراکه پیش از اقدام به شناخت مکاتب باید مفاهیم کلیدی بحث تعریف و ضرورت مکتب‌شناسی توصیف شود.

فصل دوم مکتب فقهی نجف را بررسی می‌کند. تقدم مکتب نجف به جهت تقدم تاریخی آن بوده و سیر تطور و تحول اندیشه فقهی را پی می‌گیرد؛ بررسی مکاتب در این مکتب نیز با رعایت ترتیب تاریخی فقها انجام می‌شود. در بررسی مکتب نجف ابتدا از مکتب فقهی شیخ انصاری، صاحب جواهر، صاحب عروه، آغاز می‌کنیم و سپس به دوران معاصر می‌رسیم و نگاهی به مکتب فقهی اعلام ثلاث [محقق نائینی، محقق اصفهانی و محقق عراقی] داشته و در نهایت به مرحوم آیت‌الله خویی به عنوان شخصیت برجسته مکتب نجف در دوران اخیر می‌پردازیم. در پایان نگاهی به مکتب فقهی شهید سید محمدباقر صدر خواهیم داشت تا تنوع روشی و منهجی در فضای نجف را نشان دهیم. بی‌تردید در حوزه اصیل و قویم نجف فقهای برجسته و ستارگان درخشان فقاقت فراوان اند اما محدودیت‌هایی ایجاد می‌کرد دایره تحقیق را محدود کنیم و به تعداد مختصری از فقها اکتفا نماییم. بیان مناهج فقهی فقهای مختلف در نجف نشان می‌دهد نمی‌توان حوزه نجف را برخوردار از یک منهج واحد دانست. در پایان این فصل دو مطلب با

رویکرد تحلیل سیاسی - تاریخی حوزه نجف اثر دکتر احمد رهدار و دکتر موسی نجفی به چشم می‌خورد. همانطور که اشاره شد جریان روشنفکری در صدد نفی صبغه سیاسی-اجتماعی حوزه نجف بوده و این دو یادداشت می‌تواند لایه دیگری از تاریخ و واقعیت این حوزه را نمایش دهد. هرچند پرداختن به تاریخ فکری و سیاسی حوزه نجف آثار مستقل و مطلوی می‌طلبد.

فصل سوم در امتداد فصل پیشین به بررسی مکتب قم می‌پردازد که به لحاظ تاریخی متأخر از مکتب نجف به‌شمار آمده و میراث دار حوزه نجف است. مکتب قم هرچند پیشینه‌ای طولانی در تاریخ دارد و این تاریخ به عصر محدثین باز می‌گردد اما آنچه امروز به عنوان مکتب قم شناخته می‌شود فضایی است که در سده اخیر رشد کرده و هویت جدیدی یافته است که سرآغاز آن را می‌توان مرحوم مؤسس آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری دانست. پس ابتدا به بررسی مکتب فقهی ایشان می‌پردازیم. سپس به قله و نماد مکتب فقهی قم یعنی مرحوم آیت‌الله بروجردی می‌پردازیم. در گام بعد سخن از مکتب فقهی امام خمینی رحمته‌الله علیه به میان می‌آید که مکتب فکری وی تحولی تمدنی را در تاریخ ایران و جهان رقم زد. عمق و گستره اثرگذاری اندیشه و اقدام امام خمینی رحمته‌الله علیه موجب می‌شود توجه ویژه‌ای به منهج فقهی ایشان داشت؛ هرچند منظومه فکری وی منحصر در اندیشه فقهی ایشان نیست. در مدرسه قم می‌توانستیم به بزرگان دیگری چون حضرات آیات شیخ مرتضی حائری، سیدمحمد محقق داماد، مراجع ثلاث و دیگر بزرگان این مدرسه اشاره کنیم کمااینکه در ویراست اول این اثر مقاله‌ای درباره مرحوم آیت‌الله محقق داماد نیز آورده بودیم (که از تکرار آن در این ویراست چشم‌پوشی شد)، اما عللی مانع از توسعه دایره تحقیق شد.

فصل چهارم به بررسی تطبیقی بین مکتب قم، نجف و سامرا می‌پردازد.

فصل پنجم با عنوان «درآمدی بر رویکردهای نو در اجتهاد» می‌کوشد تلاش‌های صاحب‌نظران و نظریه‌پردازان «فقه نظام» در دهه‌های اخیر را روایت کند. اگر کسی منطق موجود در این تبویب را با دقت بنگرد، در می‌یابد که ما کوشیده‌ایم نشان دهیم اولاً سیر تحول مکاتب فقهی سیری صعودی و روبه‌رشد بوده است و امروز حوزه توانسته است گام‌هایی اولیه در مسیر هماهنگ‌سازی خود با شرایط استقرار حکومت دینی و تفقه ایجاد کند و ثانیاً رشدهای امروز تفقه ریشه در کوشش‌های فقه‌های پیشین داشته و با تکیه بر تراث است. در این فصل ابتدا گفتاری از شهید صدر را آورده ایم که نشان می‌دهد رویکرد تحول‌خواهی و احساس نیاز به تغییر منهجی در اندیشه شهید صدر سابقه داشته است. ویژگی فصل پنجم تجمیع انظار فقه‌های معاصر و نو بودن برخی متون در این زمینه است که می‌تواند منبع تحقیقاتی در این موضوع به‌شمار آید.

امیدوار بودم ویراست جدید با کمترین فاصله زمانی از انتشار ویراست اول، به جامعه علمی تقدیم شود اما اشتغالات نگارنده و برخی موانع دیگر مانع شد. در پایان لازم می‌دانم از همه اساتید معظم و سروران ارجمندی که باحضور در مصاحبه‌ها، نگارش مقاله و همراهی برای تولید محتوا زمینه نشر این اثر را فراهم کردند تشکر فراوان داشته باشم. همچنین سپاس و تشکر خاضعانه خود را نثار همه عزیزان و اساتیدی می‌کنم که در این مسیر حقیر را رهین لطف و عنایت و راهنمایی خود قرار دادند؛ به‌ویژه اساتید ارجمندم حضرات آیات، آقایان محمد عندلیب همدانی و محمد محمدی قائینی و استاد حمید پارسانیا و نیز حجج اسلام آقایان دکتر ذبیح‌الله نعیمیان و استاد محمد عالم‌زاده نوری که از هیچ کمکی در این مسیر دریغ نکردند. همچنین از طلبه فرهیخته حجت‌الاسلام سیدعلی طباطبایی به‌دلیل تکمیل برخی ارجاعات و منابع سپاسگزارم. اگر یاری و همراهی‌های همسر فرهیخته‌ام طی این سال‌ها نبود، این

مسیر هموار نمی‌شد. در پایان از برادرانم در نشر «کتاب فردا» آقایان دکتر مهدی فقیهی نژاد و حسن نوروزی به دلیل رعایت استانداردهای حرفه‌ای در ویرایش، طراحی و تولید کتاب، و رفع کاستی‌ها و ضعف‌های ویراست قبلی این اثر، صمیمانه سپاسگزارم.

و آخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین

حسین ایزدی - طلبه حوزه علمیه قم - آذرماه ۱۴۰۲

مصادف با ایام شهادت صدیقۀ طاهره علیها السلام (فاطمیه ۱۴۴۵)

درآمدی بر مکتب فقهی قم و نجف

• الف. ضرورت مکتب‌شناسی

مکاتب علمی در گذر زمان و به صورت تدریجی شکل می‌گیرند. نظریه‌پردازان و مکتب‌سازان که بیشتر هم و غم خود را بر تولید علم گذاشته‌اند، به دلیل فعالیت‌های علمی و نوآوری در حوزه تخصص خود، کمتر فرصت روایت چارچوب اندیشه، نوع منهج و مکتب خود را پیدا می‌کنند؛ گاه سالیان زیادی می‌گذرد و تفاوت‌های اساسی کاریک فقیه با فقیه دیگر برجسته و بیان نمی‌شود.

یکی از راهبردی‌ترین اقدامات در مسیر تولید علم و تحول علمی، «روایت تحلیلی» از علم‌ورزی عالمان است. برخورداری از نگاه کلان، تحلیل‌گر و چارچوب‌شناس، زمینه تحلیل کلان یک فرایند علمی را فراهم می‌آورد که در حوزه فقه به آن «مکتب‌شناسی فقهی» گفته می‌شود. مکتب‌شناسی فقهی تلاشی برای بازخوانی فعالیت‌های فقهی عالمان شیعه، در گذر تاریخ و بازشناسی عناصر اصلی تفقه ایشان، به منظور کشف بزنگاه‌های اختلاف تا سر حد تولید نتایج متفاوت و برجسته‌سازی نقاط اصلی تمایزهاست. کشف ساختار اجتهاد فقها از سوی مکتب‌شناسان، زمینه‌ساز کشف مکاتب موجود و در گام بعدی تولید مناهج جدید فقهی است.

با نگاهی به تراث گران‌بهای فقه‌های امامیه در گذر تاریخ، با این واقعیت روبه‌رو می‌شویم که حجم انبوهی از تولیدات فقهی و اصولی، طی قرون متمادی تولید شده است که هریک در جای خود گران‌بهاست، اما برای بهره‌وری بیشتر از این تولیدات به شناسایی نقاط اصلی برتری هر اثر نسبت به دیگر آثار نیاز است. برای ارزیابی میزان موفقیت یک کار فقهی و طبقه‌بندی جایگاه آن، می‌توان عناصر ارزیابی متعددی را در نظر گرفت؛ به بیان دیگر، هر اثر فقهی یا هر فقیه در یک حوزه دارای توانمندی خاص است که این توانمندی به شناسایی و تبیین نیاز دارد؛ برای مثال برخی از حوزه‌های توانمندی علمی که فقیه صاحب‌منهج، در یک یا چند مورد از آن موارد دارای برجستگی است و می‌توان آن حوزه را حوزه توانمندی اختصاصی وی به‌شمار آورد، عبارت‌اند از:

- فحص جامع و گردآوری و نقل اقوال قدما؛
- فحص و گردآوری و نقل اقوال عامه؛
- اتقان و استحکام در استدلال و قوت در نقد؛
- تولید بیان جدید در استدلال بر یک فرع؛
- تولید بیان جدید در نقد بر یک استدلال؛
- نقادی و تیزهوشی در کشف نقاط ضعف استدلال‌ها؛
- قوت استدلال و ایجاد موج‌های متعدد در ردّ و اثبات؛
- روش‌مندی و ضابطه‌گرایی اختصاصی در تفقه و اجتهاد؛
- نظریه‌پردازی و نوآوری‌های کلان.

هریک از این مؤلفه‌ها به‌تنهایی می‌تواند اثری قابل اعتنا را رقم زند، اما صرف بهره‌مندی تنها یکی از موارد پیش‌گفته نمی‌توان ادعای پیدایش مکتب را داشت؛ گاه در کنار هم قرار گرفتن چند عنصر از این عناصر به‌گونه‌ای که «سبک تفقه» جدیدی را به‌وجود آورد یا برجسته‌بودن یکی از این عناصر به قسمی که سرنوشت استنباط را تغییر دهد،

می‌تواند خبر از پیدایش منهج یا مکتب نوینی را به دنبال داشته باشد. دانشمند مکتب‌شناس می‌کوشد با احصای مؤلفه‌های اختصاص‌ساز و مکتب‌آفرین، به بازخوانی آثار علمی فقها پرداخته و ویژگی‌های آن‌ها را استخراج کند تا در نهایت ببیند کدام یک نشان‌دهنده یک روش متمایز تفقه است.

برشمردن فواید و دستاوردهای مکتب‌شناسی، مجال دیگری و مقاله‌ای مستقل می‌طلبد، اما به اختصار در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود:

۱. زمینه‌سازی برای بهره‌وری بیشتر از آثار فقها

با عنایت به آنچه گذشت، یکی از راهبردی‌ترین خدمات به حوزه‌های علمیه، تلاش برای بازشناسی و بازخوانی آثار علمی برجای مانده از سلف صالح است. بازخوانی مکتب‌شناسانه آثار فقها، زمینه استفاده هرچه بیشتر از زحمات ایشان را فراهم می‌کند. باگذشت قریب به یک قرن از تأسیس حوزه علمیه قم و نیز قریب به دویست سال از منهج و حوزه جدید نجف، تلاش‌های علمی پراکنده‌ای در راستای معرفی ویژگی‌ها و شاخصه‌های علمی هریک از این حوزه‌ها و تحلیل و ارزیابی آن‌ها صورت گرفته است، اما اهمیت موضوع به قدری است که نیازمند تلاش‌های علمی متمرکز برای بازشناسی عناصر و مؤلفه‌های تمایزآفرین مکتب قم و نجف هستیم. گاه مواجهه با آثار فقهی جزئی‌نگرانه است که در آن تنها به تحلیل و بررسی گزاره‌ها اکتفا می‌شود؛ رهاورد چنین بررسی‌ای، افزوده شدن یک سطر به سطور دیگر گزاره‌های استنباط فقهی است، اما بازخوانی مکتب‌شناسانه آثار فقهی، این امکان را می‌دهد که از دیدگاهی کلان به مشی و منهج استنباطی ایشان نظر افکند و نیز با کشف روش هر فقیه در استنباط، به مدل‌سازی منهجی و امتداد و توسعه روشی پرداخت.

تدوین علمی شاخصه‌های مکتب‌های فقهی این امکان را فراهم

می‌آورد تا در مواجهه‌ای فعالانه و آگاهانه به نقد و بررسی و ارزیابی هریک از این دو مکتب پردازیم. بدون وجود چارچوب معین برای تعریف مکتب فقهی، اساساً نمی‌توان اشاره‌ای دقیق و صحیح به یک پدیده و روش علمی داشت و از تحلیل و ارزیابی آن سخن گفت؛ زیرا ابعاد و مختصات و مشخصات آن روشن نیست، ولی با تدوین چارچوب علمی برای مکاتب فقهی این زمینه پدید می‌آید.

۲. کمک به تقویت مقوله «روش‌شناسی» در تحقیقات فقهی

امروزه مقوله «روش‌شناسی» در حوزه علم، اهمیت ویژه‌ای دارد. هرچند روش در علوم انسانی با روش در علوم اسلامی دارای مبانی، تأثیرات و تفاوت‌های جدی است، اما نمی‌توان اصل اهمیت این مقوله را نادیده گرفت. بسیاری از مجتهدین سال‌ها به اجتهاد می‌پردازند و بی‌تردید از روشی علمی خاصی بهره می‌گیرند، اما در بسیاری از موارد این روش به صورت ناخودآگاه و نانوشته به کار بسته می‌شود؛ روشی که محصول سال‌ها تحصیل در محضر اساتید مختلف و برگرفته از منهج‌های گوناگون است. بازشناسی مقوله «روش تفقه» کمک می‌کند کاستی‌های روش‌های موجود شناسایی شده و مزیت‌های آن‌ها نیز به روزرسانی و به کار گرفته شود. گام اول در این مسیر تنقیح روش‌های اصلی و اصیل تفقه در حوزه است. سپس می‌توان گام‌های بعدی از جمله نقد و نوآوری را پیمود.

۳. ضرورت تولید ادبیات توصیف‌گر برای جریان تفقه

بسیاری از اساتید دروس خارج، به صورت جزئی می‌دانند تفاوت یک فقیه با فقیه دیگر چیست. اینکه فتاوی مختلف دارند، اینکه برخی نظرات اصولی یا رجالی آن‌ها متفاوت است و تفاوت‌های جزئی دیگری از این دست، اما امکان یک توصیف کلان از تفاوت‌ها را ندارند. به بیان دیگر،

آنان برای بیان وجوه اختلاف بین فقیهان، فاقد ادبیات و بیان توصیف‌گرند؛ گویی نیاز است در این زمینه نوعی ادبیات‌سازی صورت پذیرد تا امکان توصیف نسبت به چارچوب، نقاط مثبت و منفی و افتراقات و امتیازات کار فقیهان نسبت به هم فراهم آید.

۴. مناسبات مکتب‌شناسی، تولید علم و تمدن‌سازی

هرچند در تحقق یک تمدن، عناصر گوناگونی دخیل است، اما در این میان نمی‌توان از نقش اساسی و بنیادین «علم» چشم‌پوشی کرد. تمدن‌ها اساساً بر پایه علم‌اند. این علم و نظریه‌های بنیادین در نگاه به جهان هستی و انسان از مفاهیم پایه به‌شمار می‌آید که بنای تمدن‌های متمایز را استوار می‌کند. تمدن‌ها با تکیه بر علوم توصیفی پدید می‌آیند و براساس علوم هنجاری و توصیه‌ای که مبتنی بر همان باورداشت‌ها و نظریه‌های اساسی در علوم بنیادین و توصیفی است، حرکت می‌کنند.

تمدن اسلامی در مسیری کاملاً متمایز با تمدن غربی حرکت می‌کند. تمدنی که رویکردهای آن در توصیف هستی و جهان، ماهیت سعادت و کمال و انسان و معرفت و ارزش با محوریت «توحید» است، با تمدنی که اومانیسم را منشأ همه کنش‌های خود قرار می‌دهد، مسیر یکسانی نخواهند داشت؛ ازاین‌رو تولید علوم انسانی اسلامی در مقابل علوم انسانی مدرن ضرورت می‌یابد؛ زیرا قوام و هویت مستقل و متمایز تمدن اسلامی به پایه‌های فکری آن است، نه به روبناها و ظواهر.

ازسوی دیگر برای رسیدن به علوم انسانی اسلامی، درلایه‌های مختلفی، تعامل، بین فقه به‌مثابه لایه هنجاری و دستوری شریعت با علوم انسانی برقرار است. تبیین نوع رابطه علوم انسانی اسلامی، سطوح تعامل و ابعاد آن مجال مستقلی می‌طلبد که اکنون امکان طرح و بسط آن نیست، اما اجمالاً می‌دانیم چنین رابطه و تعاطی‌ای برقرار است. حال با توجه به این مقدمه

مختصر باید گفت فقه زمانی می‌تواند کُنشگر فعال و اثرگذاری باشد که به بازسازی خود در حوزه روشی پرداخته باشد.

شناسایی مکاتب فقهی از آن زاویه دارای اهمیت است که امکان تأسیس یا شناخت روش‌های منسجم و دقیق‌تر اجتهاد را به ما نشان می‌دهند. ازسوی دیگر، با شناخت تفکیکی مکاتب از یکدیگر، نقاط قوت و ضعف هریک خود را نشان داده و این امکان را فراهم می‌آورد که از بین مکاتب، آن را که ظرفیت بیشتری دارد، محور تولید علم قرار داده یا از تلفیق مجموع نقاط قوت مکاتب مختلف، مکتب جدیدی پدید آوریم. تحول و تولید علم بدون برخورداری از پشتوانه تراث امکان‌پذیر نیست و بسنده کردن به تراث، بدون تحول‌خواهی نیز راهی به سمت تمدن نخواهد گشت.

۵. فواید آموزشی و پژوهشی

یکی از آثار مکتب‌شناسی، فواید آموزشی آن است. پرداختن به مقوله روش‌شناسی فقه برای طلابی که گام در مسیر اجتهاد نهاده‌اند، ضرورتی دوچندان دارد. طلبه درس خارج‌خوان پس از طی چند سال از آشنایی با ادبیات اجتهاد، در آستانه تعیین مسیر قرار می‌گیرد. وجود مجموعه‌ای حاوی نکات روشی و دسته‌بندی‌های منهجی می‌تواند افق‌های روشنی را پیش روی این طیف از طلاب بگشاید. طلبه در این صورت می‌تواند برای تعیین مسیر علمی و استخدام منهج فقهی، اقدامی سنجیده‌تر و دقیق‌تر انجام دهد؛ البته در همین راستا می‌توان به فواید پژوهشی مکتب‌شناسی نیز اشاره کرد که در خلال برخی مصاحبه‌ها از آن سخن گفته خواهد آمد.

۶. جلوگیری از سوءاستفاده‌های جریان روشنفکری

یکی دیگر از زاویه‌هایی که بحث از مکاتب فقهی، به‌ویژه مکتب قم و نجف را دارای اهمیت می‌کند این است که در سال‌های اخیر رسانه‌های

روشنفکری، با استفاده از موقعیت‌های موجود در حوزه و تفاوت سلیقه‌ها و روش‌های علمی، در پی رسیدن به مقاصد سیاسی و تفویک خود بوده‌اند. مهم‌ترین اقدامات در این زمینه را در پرونده‌های ماهنامه «مهرنامه» با موضوعاتی چون: مکتب فقهی قم، مکتب فقهی نجف و مکتب فقهی اصفهان می‌توان مشاهده کرد.

یکی از روشنفکران ژورنالیست بانگارش کتابی با عنوان سه اسلام: مکتب نجف، مکتب قم، مکتب تهران سعی در ارائه تقریرهایی حوزوی از مدعیات جریان فکری خود را داشت. حتی BBC فارسی اقدام به تولید و پخش مستندی با موضوع حوزه علمیه نجف کرد و در آن تلاش کرد حوزه نجف را حوزه‌ای علمی و حوزه قم را حوزه‌ای کم عمق از نظر علمی نشان دهد. برخی مدعیات تلویحی و ضمنی که به نظر می‌رسد این دست از تولیدهای جریان روشنفکری در پی اثبات و برجسته‌سازی آن هستند را می‌توان در سرفصل‌های زیر خلاصه کرد:

- اصیل بودن مکتب نجف در برابر مکتب قم و ایجاد تقابل بین این دو حوزه.
- اصیل بودن قرائت حوزه نجف از اسلام در برابر قرائت حوزه قم از اسلام.
- نشأت گرفتن اندیشه ولایت فقیه از مکتب اصفهان و متأثر بودن این اندیشه از دوران صفویه (غیراصیل بودن اندیشه ولایت فقیه).
- اصیل بودن مشی غیرسیاسی و به‌دور از رویکردهای اجتماعی در بین عالمان و بزرگان مکاتب فقهی.
- اثبات رویکرد حداقلی در نسبت دین و سیاست در برابر قرائت حداکثری از دین.
- تلاش در مسیر مدل‌سازی رفتار و مشی سیاسی حداقلی مرحوم آیت‌الله خویی و اصیل نشان دادن آن.
- تلاش در مسیر مدل‌سازی رفتار و مشی سیاسی آیت‌الله سیستانی

به عنوان مدلی از اسلام سیاسی با رویکردی حداقلی و بدون ورود به عرصه زمامداری حکومت.

موارد دیگری را نیز می‌توان به این فهرست افزود، البته در بسیاری از این موارد، ورودهایی کاملاً حرفه‌ای صورت گرفته است و از تصریح و اشاره‌های مستقیم به مدعا پرهیز شده است. به گونه‌ای که سیر بحث‌ها، جهت‌گیری پرسش‌ها از افراد مصاحبه‌شونده و روح حاکم بر فضای پرونده مخاطب را به تصمیم‌گیری مورد نظر سوق می‌دهد.

نمی‌توان ادعا کرد این تحقیق، همهٔ شبهه‌ها و مسئله‌های فوق را پوشش می‌دهد، اما تلاش شده تا حدی رسالت پاسخ دادن غیرمستقیم به مسائل را محقق کند؛ اولاً، در این تحقیق نشان داده می‌شود که مکاتب فقهی در بسیاری از اصول دارای وحدت و یگانگی هستند، ثانیاً اختلاف در برخی روش‌ها موجب اختلاف در قرائت از اصول اسلام نمی‌گردد. ثالثاً اساساً بحث از مکاتب فقهی بحثی علمی، فنی و تخصصی است و روشنفکران ناآشنا با علوم حوزوی نمی‌توانند به آن ورود داشته باشند، رابعاً با برشمردن علمی مزایا و یاکاستی‌های هریک از دو منهج و مکتب تلاش می‌شود چارچوبی علمی برای هریک ایجاد شده و جلوی برداشت‌های بی‌ضابطه گرفته شود. همه این اهداف به‌طور ضمنی و نه مصرح در تحقیق دنبال می‌شوند.

• ب. مفاهیم و اصطلاحات

۱. تعریف مکتب

در علوم گوناگون سخن از مکتب به میان می‌آید؛ مکتب اقتصادی، مکتب روانشناسی، مکتب سیاسی، مکتب جامعه‌شناسی، مکتب فلسفی، مکتب کلامی، مکتب تفسیری و موارد بسیار دیگری از این دست قابل برشمردن است. ابتدا باید دید مقصود از مکتب در علوم گوناگون چیست.

پیش از تعریف مکتب باید به عناصر عام مکتب‌آفرین در علوم توجه کرد. به‌طور کلی چه عناصر و مؤلفه‌هایی موجب پیدایش تفاوت در منهج‌های علمی می‌گردد که بعد از آن‌ها به نام مکتب یاد می‌کنیم؟ برخی صاحب‌نظران بر این باورند که کاربرد مکتب در علوم مختلف به اختلاف نظر در پنج امر بر می‌گردد^۱:

۱. اختلاف نظر در روش‌های تحقیق در یک علم؛
 ۲. اختلاف نظر در مهم‌تر دانستن وجهی از وجوه یک علم؛
 ۳. اختلاف نظر در تقدم یا تأخر پرداختن به یک مسئله؛
 ۴. بومی‌شدن یک علم؛
 ۵. اختلاف نظر در قلمرو و موضوع علم.
- برخی دیگر از اندیشمندان عناصر دیگری را نیز در پیدایش مکاتب علمی مؤثر می‌دانند؛ به این بیان که مقومات علوم عبارت است از موضوع، مسائل، اغراض، مبادی و منابع و مکتب علمی براساس اختلاف نظر در یکی از آن‌ها پدید می‌آید؛ البته در صورتی که این اختلاف نظر به اختلاف نظر چشمگیر در مسائل یا اختلاف در روش بینجامد.^۲ برخی دیگر بر این نکته تأکید می‌کنند که واژه‌هایی نظیر فلسفه علم، تاریخ علم، مکتب علمی دارای تعریف‌های واحد و مورد توافق و تسالم نیستند، بلکه تفسیرها و تعبیرهای گوناگونی دارند. ایشان می‌افزاید دو عنصر مبانی و متدولوژی عناصر اصلی در ساخت و یا ایجاد مکتب علمی هستند.^۳ این میان بیان‌های دیگری نیز وجود دارد که تفاوتی جدی در آنچه گذشت ایجاد نمی‌کند.

پس می‌توان گفت در علوم مختلف، در صورت وجود تفاوت‌های مؤثری

۱. مصطفی ملکیان، پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی، ص ۸۶.

۲. مهدی شب‌زنده‌دار، پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی، ص ۸۸.

۳. مهدی هادوی تهرانی، پیش‌درآمدی بر مکتب‌شناسی فقهی، ص ۳۲۳.

در ناحیه موضوع علم، روش تحقیق، قلمرو علم و اموری از این دست، مکاتب علمی گوناگون پدید می‌آیند؛ بنابراین، مکتب علمی عبارت است از نوعی ورود متفاوت به علم که این ورود متفاوت، نتایج متفاوتی را با منهج مرسوم یا دیگر منهج‌های موجود در آن علم پدید می‌آورد؛ این تفاوت در ورود به علم می‌تواند از نوع تفاوت در روش‌شناسی علم، موضوع‌شناسی علم، گستره و قلمرو علم، مبادی و منابع علم و اموری از این دست باشد.

۲. تعریف مکتب فقهی

براساس آنچه در تعریف مکتب گذشت، می‌توان مکتب فقهی را تعریف کرد. دیدگاهی پس از برشمردن مؤلفه‌ها و عناصر مکتب‌ساز در علوم به این نتیجه رسیده است که این عناصر در علم فقه محرز نیست؛ بدین رو نمی‌توان در فقه، مکاتب گوناگونی تصور کرد و اساساً امکان ایجاد مکاتب گوناگون فقهی را منکر می‌شود. ایشان، تکون معیارهای پنج‌گانه پیش‌گفته را در علم فقه محرز نمی‌دانند، زیرا بر این باور است که میان صاحب‌نظران علم فقه از زاویه امور یادشده اختلاف نظری به چشم نمی‌خورد، بلکه در علم فقه تنها امری که در آن نشانه‌هایی از اختلاف نظر وجود دارد، اختلاف در قلمرو فقه است.^۱

برخلاف این دیدگاه بسیاری دیگر به وجود مکتب و بلکه مکاتب در علم فقه قائل‌اند. بین فقه اهل تسنن و امامیه و نیز بین مذاهب اهل سنت، تفاوت‌های مکتب‌آفرین بسیاری به چشم می‌خورد که نتایج کاملاً متفاوتی را نیز در پی دارد. فقه حنبلی، شافعی، مالکی و حنفی تفاوت‌های جدی در حوزه روش‌شناسی با یکدیگر دارند؛ برخی به شدت قیاس‌محور و برخی به شدت قیاس‌ستیز و نص‌گرایند. در فقه شیعی نیز دست‌کم می‌توان تفاوت جدی روشی را میان اخباریون و اصولیون تصویر کرد؛ پس اصل

وجود مکاتب فقهی گوناگون در فقه اهل تسنن و امامیه مفروغ عنه است؛ سخن در تعریف مکتب فقهی است.

همان طور که درباره تعریف اصل مکتب گفته شد تعریف و تفسیرهای واحد و مورد اتفاقی در این زمینه وجود ندارد، در مکتب فقهی نیز این گونه است؛ از این رو می توان با برشمردن برخی مؤلفه های کلی از مکاتب فقهی گوناگون سخن گفت. هر گاه دو منهج فقهی در حوزه تعریف موضوع فقه، گستره و قلمرو فقه، منابع فقه، روش شناسی تفقه (از جمله نص گرایی، عرف گرایی، عقل گرایی و...) دارای تفاوت جدی باشند، می توان گفت مکتب فقهی متفاوت و متمایزی شکل گرفته است.

برخی از صاحب نظران، اختلاف در حوزه های رجالی، قواعد فقهی، میزان آگاهی از اقوال اهل سنت و اموری از این قبیل را نیز در پدید آمدن مکتب فقهی مؤثر می دانند.^۱

۳. تعریف مکتب فقهی قم و نجف

از دو منظر می توان به تحلیل و بررسی دو مکتب فقهی پرداخت: نخست، تحلیل جزئی و با نگاه خرد به یک مکتب است که در آن به بررسی مؤلفه ها و شاخصه ها و ویژگی های انحصاری آن مکتب اشاره شده و فهرستی تفصیلی از این شاخصه ها فراهم می آید؛ دوم، تحلیل کلان مکاتب فقهی است. در تحلیل کلان مکاتب فقهی تلاش می شود از جزئیات و خصوصیات موردی، یک کلی و عنوان جامع انتزاع و برداشت شده و به عنوان مؤلفه محوری و اساسی آن مکتب معرفی گردد. درباره مکتب قم و نجف نیز پیش از ورود به بررسی جزئی، ابتدا از نگاهی کلان به ویژگی محوری و اصلی این دو مکتب اشاره می کنیم.

۱. مهدی شب زنده دار، همان، ص ۸۹.

یک. فقه تحلیلی

یکی از مکاتب اصلی فقهی که روش تفقه ویژه‌ای دارد، فقه تحلیلی نامیده می‌شود. روش فقه تحلیلی یک نوع روش‌شناسی هنجاری است که وقتی با مسئله‌ای روبه‌رو می‌شود، نخستین تلاشش یک فعالیت تحلیلی است.^۱ مکتب قم از نگاه کلان دارای مسلک فقه تحلیلی است. حوزه تحلیل بنا به فقه‌های مختلف، متفاوت است. برخی به تحلیل‌های تاریخی، تحلیل‌های رجال‌ی و اسانید، تحلیل‌های دلالتی و روایی و برخی نیز به تحلیل‌های مقارن و تطبیقی با فقه عامه اهمیت بیشتری می‌دهند؛ البته در این میان برخی از فقها از همه این تحلیل‌ها بهره می‌برند.

صاحب‌نظران بسیاری مکتب قم را از این نگاه تحلیل و تبیین کرده‌اند. برخی صاحب‌نظران از فقه تحلیلی به مکتب تجمیع‌ظنون یاد کرده‌اند؛^۲ به این بیان که در این مکتب از ظنون مختلفی کمک گرفته می‌شود تا حکمی استخراج گردد. در این نوع از تفقه، نتیجه کار قابل پیش‌بینی نیست و تلاش فقهی موج‌های اثبات و رد متعددی را پشت سر می‌گذارد تا به نتیجه نهایی نائل گردد. مانند شیوه شیخ اعظم انصاری رحمته‌الله در کتاب شریف المکاسب که از شهرت، سیره و اجماع و... استفاده می‌کند و از مجموع همه این‌ها با هم حکم نهایی را استنباط می‌کند و این در حالی است که هیچ‌گاه نمی‌توان از ابتدا، نهایت کار شیخ را پیش‌بینی کرد؛ یعنی متغیرهای بسیاری در رسیدن به حکم و نتیجه دخیل‌اند.

دو. فقه تطبیقی

مکتب فقه تطبیقی دارای پیچیدگی‌های فقه تحلیلی نیست. فقه

۱. ن. ک: همین کتاب، مقاله «درآمدی بر ضرورت، تعریف و انواع مکاتب فقهی».

۲. ابوالقاسم علیدوست، مهرنامه، ش ۱۹.

تطبیقی تلاش دارد تا قواعد حاکم را شناسایی و مصداق‌ها را در ردیف قواعد جای دهد.^۱ در این روش آنچه محوریت دارد، قواعد کلی اصولی و به‌کارستن آن‌هاست. یکی از صاحب‌نظران از مکتب فقه تطبیقی به فقه ریاضی تعبیر می‌کند. وی می‌گوید: مکتب ریاضی، مکتبی مدرسه‌ای، منطقی و صغریایی-کبرایی است. این مکتب به دنبال ادله تعریف شده خاص می‌گردد. اجازه نمی‌دهد که در مسیر علمی خودش، فردی به تجميع ظنون پردازد. اگر آیه یا روایتی با داشتن شرایط حجیت و اعتبار باشد و احیاناً گاهی با توجه به عقل فتوا می‌دهد، در غیر این صورت در مسیر شک قضیه را بررسی می‌کند؛ در خط شک هم براساس اصول عملیه رفتار می‌شود. در مکتب ریاضی «شهرت فتوا» حجت ندارد؛ یعنی اگر در طول تاریخ فقاقت، مشهور فقها مطلبی گفته باشند، در این مکتب اعتباری ندارد. تعبیر آیت‌الله خویی این است: «شهرت صفر است؛ اگر کنار یک روایت ضعیف قرار گیرد، همچون دو صفر در کنار هم است که عددی تشکیل نمی‌دهد.»^۲ این تحلیل از مقارنه بین مکتب قم و نجف فراگیر است؛ به‌گونه‌ای که صاحب‌نظران بسیاری به آن اشاره داشته‌اند؛ از جمله می‌توان به عبارت یکی از فقیهان معاصر اشاره کرد که می‌گوید: تفاوت بارز این دو مکتب این است که مکتب قم در مباحث فقهی بیشتر به متون و روایات و نصوص توجه دارد و مکتب نجف بیشتر به قواعد کلی و اصولی و به عبارت دیگر مکتب قم، متون روایی، رجال، سند و دلالت آن را مدار بحث می‌داند، ولی مکتب نجف قاعده‌گراست.^۳

۱. ن. ک: همین کتاب، «درآمدی بر ضرورت، تعریف و انواع مکاتب فقهی».

۲. ن. ک: همین کتاب، «مکتب فقهی آیت‌الله حاج شیخ عبدالکریم حائری».

۳. محمدعلی گرامی، جایگاه‌شناسی علم اصول، ص ۱۷۱.

سه. ارزیابی اصطلاح «مکتب قم و نجف»

در بحث پیش با طرح اختلاف در وجود یا عدم وجود مکتب فقهی، گفته شد برخی اساساً منکر وجود مکاتب فقهی گوناگون هستند، اما با نفی این قول و ترجیح قول دیگر، مبنی بر وجود مکاتب فقهی گوناگون و برشمردن برخی مکاتب محقق، عملاً اثبات گردید که در فقه می‌توان سخن از مکاتب گوناگون داشت. برخی از صاحب‌نظران پس از پذیرش اصل وجود مکاتب فقهی، وجود مکتب فقهی مستقلاً به نام مکتب قم یا مکتب نجف را مورد خدشه قرار داده‌اند. یکی از این صاحب‌نظران می‌گوید:

تعبیر «مکتب» درباره مکتب قم و نجف، تعبیری مسامحی است. در فقه شیعه ما سه مکتب اساسی داریم و ذیل هریک از این سه مکتب سلائق گوناگونی وجود دارد. این سه مکتب اساسی که می‌توان نام مکتب بر آن‌ها نهاد، عبارت‌اند از: مکتب محدثین؛ مکتب اخباریین؛ مکتب اصولیین. برخی بزرگان مکتب محدثین عبارت‌اند از: مرحوم کلینی، مرحوم صدوق، مرحوم مجلسی و مرحوم فیض کاشانی رحمه‌الله. برخی بزرگان مکتب اخباریین عبارت‌اند از: مرحوم استرآبادی که دارای سلیقه‌ای متفاوت و تند است و نیز مرحوم صاحب حدائق که کمی ملایم‌تر از مرحوم استرآبادی است. آنچه به‌عنوان مکتب قم، مکتب نجف یا مکتب اصفهان شناخته می‌شوند، همه زیر مجموعه مکتب اصولیین هستند. چراکه این مکاتب همه وجه مشترکی به نام اعتقاد و پایبندی ویژه به علم اصول فقه دارند و دقیقاً از همین زاویه اختلاف ماهوی با دیگر مسلک‌ها دارند؛ به عبارتی مابه‌الاشتراک آن‌ها همان ما به‌الامتيازشان از سایر مکتب‌های سه‌گانه است. تفاوت ماهوی مکتب قم و نجف با اخباری‌ها و محدثین در نوع نگاه و التزام به دانش اصول فقه

است. حال در مکتب اصولیین سلیقه‌های گوناگونی وجود دارد که همین اختلاف سلیقه‌ها دارای عوامل و منشأهای گوناگونی از جمله نحوه و میزان به‌کارگیری اصول فقه است؛ ولی این تفاوت سلیقه به انکار یا طرد دانش اصول فقه یا سلب ارزش از آن نمی‌گردد.^۱

برخی دیگر نیز بر این باورند که نباید برای بیان تفاوت بین مشی فقهی قم و نجف از واژه مکتب استفاده کرد و بهتر است از آن‌ها به «مدرسه» تعبیر شود؛ زیرا اصطلاح مکتب مُشعر بر مبنا و چارچوب فکری جدا و مستقلی است که با مکاتب دیگر فرق‌های فارق و مابه‌الامتیازهای مرزآفرینی دارد، درحالی‌که این جریان‌های اصولی که ما از آن‌ها سخن می‌گوییم، این حد از اختلاف‌ها و تمایزها را با هم ندارند؛ یعنی چارچوب فکری‌شان فرق نمی‌کند، بلکه تنها در روش و نحوه ورود و خروج به مباحث تفاوت‌هایی با هم دارند که آن ناشی از مدرسه‌ای است که هر کس بدان گرایش پیدا کرده است.^۲

با توجه به آنچه در تعریف مکتب و مکتب فقهی گذشت، می‌توان گفت تعریف مکتب، تابع قرارداد است و طبق یک قرارداد می‌توان از برخی تفاوت‌ها در یک رشته علمی به عنوان یک مکتب مستقل یاد کرد و طبق برخی قراردادها، سخت‌گیری بیشتری به خرج داده و مکتب را تنها در موارد وجود اختلافات عمیق و نظری و مبنایی جست‌وجو کرد.

ما در این نوشتار با نوعی سهل‌گیری در تعبیر و نیز به دلیل رواج این تعبیر در بین جامعه علمی، از منهج فقهی ویژه قم و نجف به نام مکتب یاد می‌کنیم؛ هر چند نکاتی که از صاحب‌نظران در درباره مکتب نبودن قم و نجف بیان کردیم خالی از قوت و دقت نیست، اما باید توجه داشت بنا بر هر

۱. گفت‌وگوی نگارنده با استاد عندلیب همدانی با موضوع «بررسی مکتب فقهی قم و نجف».

۲. سید مصطفی محقق داماد، جایگاه‌شناسی علم اصول، ج ۱، ص ۲۱۰.

دو نظر، انتساب مکتب به شهرها دارای نوعی مسامحه است؛ زیرا اصطلاح مکتب، گویای رویه و روشی علمی است که قابلیت به کار بسته شدن در هر نقطهٔ جغرافیایی را دارد؛ ازسوی دیگر، موارد متعددی وجود دارد که در نجف فقیهانی برخلاف روش رایج و مرسوم به مکتب نجف، تفقه می‌کردند و هم‌اکنون نیز در قم فقیهان بسیاری وجود دارند که نجفی به‌شمار می‌آیند.

• ج. عناصر بنیادین مکتب فقهی (مقومات مکتب)

یکی از پرسش‌های اساسی در مکتب‌شناسی این است که چگونه می‌توان یک منهج را به عنوان مکتب شناسایی کرد؟ اساساً چه عناصری در کنار هم یک مکتب را تشکیل می‌دهند؟ آیا هرنوع اختلافی در تفقه دو مجتهد، به معنای وجود دو مکتب متفاوت است؟ برای پاسخ به این پرسش باید به احصای عناصر مکتب‌ساز پرداخت.

در ضمن بحث از تعریف مکتب و مکتب فقهی به برخی عناصر عمومی مکتب‌ساز اشاره شد. به‌طور کلی می‌توان مواردی عمومی را که در همه علوم وجود داشته و امکان نقش‌آفرینی و ایجاد تمایزات مکتب‌ساز دارند، برشمرد؛ اما افزون بر عناصر عمومی در علم عناصری اختصاصی و منحصر به مختصات و ادبیات آن علم وجود دارد که زمینه‌ساز ایجاد مکاتب مختلف در آن علم می‌گردد.

برخی از فقه‌پژوهان مواردی چون اختلاف نظر اصولی‌ها و اخباری‌ها در تعداد منابع فقه (حجیت و عدم حجیت عقل)، اختلاف انفتاحی‌ها و انسدادی‌ها در امکان دست‌یافتن به حکم شرعی از طریق علم یا ظن، اختلاف در مستند قواعد (نظیر اختلاف در حجیت استصحاب از باب اماره عقلایی یا اصل تبعیدی شرعی)، اختلاف نظر در نقش فتوای مشهور و اختلاف در روش بحث را عناصر مکتب‌ساز می‌دانند، ولی در عین حال اختلاف نظر در مباحث رجالی، قواعد فقهی، آشنایی با اقوال اهل سنت را

هرچند در استنباط مؤثر دانسته ولی در مکتب ساز بودن آن ها تردید می کنند.^۱
 برخی نیز آگاهی بر مقاصد الشریعة را از عناصر مؤثر در ایجاد
 برداشت های متفاوت از متون فقهی معرفی می کنند.^۲
 اختلاف در مبانی و روش ها نیز ازسوی برخی دیگر از صاحب نظران
 به عنوان عناصر مکتب ساز معرفی شده است.^۳
 یکی از دانشوران فقه تقسیم بندی نسبتاً جامع و مفصلی را در این
 زمینه ارائه می دهد که کمک می کند لایه ها و بسترهای اختلاف در بین
 مکاتب فقهی بیشتر نمایان شود. در اینجا نگاهی گذرا به سرفصل های
 کلی این تقسیم بندی داریم، ولی در زیر مجموعه های مفصل و دقیق آن
 وارد نمی شویم.

۱. اختلاف نظر در منابع فقه

- اختلاف در تعداد منابع
- اختلاف در تفسیر منابع
- اختلاف در شرایط اعتبار منابع

۲. اختلاف نظر در مبانی فقه

- مبانی تفسیر متن
- مبانی حدیث شناسی
- مبانی کلامی

۳. اختلاف در روش های فقه

- عقلی یا نقلی بودن روش فهم احکام
- انفرادی یا انضمامی بودن روش فهم احکام^۴

۱. مهدی شب زنده دار، پیش درآمدی بر مکتب شناسی فقهی، ص ۸۸.

۲. ن. ک: سید ابوالقاسم حسینی (ژرفا)، مقصدهای شریعت.

۳. مهدی هادوی تهرانی، پیش درآمدی بر مکتب شناسی فقهی، ص ۳۲۳.

۴. سعید ضیائی فر، پیش درآمدی بر مکتب شناسی فقهی، ص ۲۶ - ۷۳.

• د. نگاهی به مکتب فقهی نجف

۱. پیشینه و ادوار تاریخی حوزه نجف

در تقسیم‌بندی ادوار فقه، رویکردهای متنوعی وجود دارد. آنچه در این مجال درصدد آن هستیم مروری گذرا بر فراز و فرودهای حوزه نجف است.

دوره تکوین و تثبیت

شیخ طوسی (۴۴۸-۴۶۰ق) به‌عنوان مؤسس حوزه علمیه نجف نه‌تنها نقطه عطفی در تاریخ حوزه‌های علمیه شیعی به‌شمار می‌آید که در ادوار فقه و فقاہت نیز یک نقطه عطف است. او که از تلامذه برجسته شیخ مفید (متوفی ۴۱۳) و سید مرتضی (متوفی ۴۳۶) است، پس از رحلت سید مرتضی به ریاست علمی شیعیان در بغداد رسید. پس از ورود طغرل سلجوقی در سال ۴۴۹هـ.ق خانه و کتابخانه شیخ به آتش کشیده شد و وی مجبور به مهاجرت به نجف اشرف شده و تا پایان عمر خویش در این شهر زیست. نجف اشرف پیش از آمدن شیخ پایگاه تعدادی از محدثان بود. با آمدن شیخ طوسی علمای دیگر نیز به آنجا آمدند تا اینکه حوزه نجف، حوزه عظیمی گشت و جایگزین حوزه بغداد گردید.^۱

شیخ طوسی نه‌تنها مؤسس دوران جدید حوزه نجف به‌شمار می‌آید، بلکه از نگاه علمی مبدأ و نقطه عطفی در تاریخ تحولات فقه و اصول شیعه است. دکتر گرجی این‌گونه می‌نویسد:

اولاً شیخ طوسی اجتهاد را اطلاق و کمال بخشید. ثانیاً در باب فقه و اصول کتاب‌های کامل و برجسته‌ای از خود به یادگار گذاشت، ثالثاً اجتهاد شیعه را در برابر اجتهاد اهل سنت، خصوصاً در برابر

۱. محمد اسماعیل نوری، ادوار تحول فقه شیعه، ص ۱۲۸.

یکایک مذاهب مهم اهل سنت عملاً استقلال داد.^۱

دوره تبعیت و رکود

این دوره طولانی با وفات شیخ طوسی آغاز شد و تا اوایل قرن دهم ادامه یافت. عوامل متعددی در ایجاد رکود پس از شیخ دخیل بودند؛ از جمله می‌توان به دو مورد اشاره کرد:

۱. تحت فشار بودن شیعه: از میان رفتن قدرت آل بویه که پیوسته مراکز و شخصیت‌های علمی شیعه را تحت حمایت خود داشتند، عامل اثرگذار دیگری بر رکود بود. شیعه از جانب حاکمان سنی زیر فشار و سرکوب بود. سلجوقیان در عراق، غزنویان در شرق و ایوبیان در شام و مصر که تاریخ برخی از جنایات آن‌ها را ثبت کرده است.^۲

۲. عظمت علمی شیخ طوسی: بعد از شیخ طوسی به دلیل مقام شامخ علمی او یا به دلیلی دیگر، حدود یک قرن، تنها آرای علمی وی بود که در محافل علمی مطرح می‌شد؛ هیچ فقیهی به خود اجازه نمی‌داد که در برابر آرای شیخ مخالفتی ابراز دارد؛ بدین رو در این دوره با فقه‌های برجسته‌ای برخورد نمی‌کنیم.^۳

حضور و محوریت محمد بن ادریس حلی (متوفی ۵۹۸ق) در حله رونق حوزه علمیه این شهر را به همراه داشت، ولی همین مسئله به رکود حوزه علمیه نجف شتاب بیشتری بخشید. وی توانست به روحیه پیروی بی‌چون و چرای مشایخ امامیه که در برابر آرا و فتاوی شیخ طوسی تسلیم و منقاد بودند، پایان دهد و با نقادی آرا و برخی روش‌های شیخ، روح تحقیق و نقد و تجدیدنظر را به محافل علمی شیعه باز آورد.

۱. ابوالقاسم گرجی، تاریخ فقه و فقه‌ها، ص ۱۸۱.

۲. محمد اسماعیل نوری، ادوار تحول فقه شیعه، ص ۱۳۷.

۳. ابوالقاسم گرجی، تاریخ فقه و فقه‌ها، ص ۲۲۴.

دوره محقق اردبیلی^۱

از نیمه دوم قرن دهم، رونق علمی به حوزه نجف بازگشت. نقش مولی احمد بن اردبیلی (متوفی ۹۹۳ق) مشهور به مقدس/ محقق اردبیلی در بازایی رونق حوزه علمیه نجف در این دوره بسیار برجسته بود. حضور محقق اردبیلی در حوزه نجف و مقبول افتادن مکتب فقهی او، یعنی تتبع همه‌جانبه در احادیث و توجه به احادیث صحیح‌السند که چه‌بسا مورد بی‌اعتنایی یا اعراض فقهای سلف قرار گرفته بود. در برابر قول به پذیرش فتوای مشهور، پژوهشگران و طلاب بسیاری را در حلقات درس او حاضر ساخت. کسانی چون شمس‌الدین محمد بن علی عاملی، نوه شهید ثانی، صاحب‌مدارک الاحکام (متوفی ۱۰۰۹) و حسن بن زین‌الدین، فرزند شهید ثانی معروف به صاحب‌معالم (متوفی ۱۰۱۱) از تربیت‌شدگان بزرگ مکتب فقهی و اصولی او هستند.

دوره اخباریان و افول آنان^۲

از دهه چهارم قرن یازدهم حوزه علمیه نجف همانند دیگر حوزه‌های شیعه درگیر موضوع اخباری‌گری شد. بزرگ‌ترین تأثیر را در این بین، محمدامین استرآبادی (متوفی ۱۰۳۳ق) داشت. وی که خود درس‌آموخته حوزه علمیه نجف بود و از صاحب‌معالم و صاحب‌مدارک اجازه روایت داشت، با تألیف کتاب الفوائد المدنیة در ۱۰۳۰ق، به نقادی سخت روش اصولی و فقهی مجتهدان شیعه، که میراث پربهای شیخ طوسی در حوزه علمیه نجف بود، پرداخت. او امثال ابن جنید، ابن ابی‌عقیل، شیخ مفید، سید مرتضی، شیخ طوسی و از همه بیشتر علامه حلی را به انحراف از

۱. ویکی شیعه/ دانشنامه اسلامی.

۲. همان.

طریقت ائمه علیهم السلام متهم می‌کرد و تکیه آنان به علم کلام و اصول فقه مبتنی بر افکار عقلی و اعتقاد به قیاس را بدعت می‌شمرد. مکتب اخباری، با شتاب، در نجف و دیگر مراکز علمی عراق و ایران و بحرین نفوذ و بیشتر فقیهان را به خود جذب کرد.

دانش اصول فقه و اصولیان از جنبش اخباری لطمات بسیار خوردند و حوزه علمیه نجف نیز از این آسیب‌ها مصون نماند، ولی از حرکت بازنیستاد و در این دوره نیز در نجف به نام دانشمندان یا آثار برجسته‌ای بر می‌خوریم.

درگیری‌های پیوسته صفویان و عثمانیان بر سر تسلط بر عراق، هراس مردم از مهاجرت به عراق، فشار بر علمای مذهبی شیعه پس از سلطه عثمانی‌ها و رویدادهای طبیعی چون وبا، در افزایش رکود علمی در این دوره بی‌تأثیر نبودند. همین عوامل باعث شد تا پایان قرن یازدهم از آمدوشد طلاب و دانش‌پژوهان به نجف کاسته شود و حتی مرکزیت جهان تشیع به کربلا انتقال یابد.

نقش وحید بهبهانی در مبارزه با اخباری‌گری^۱

محمدباقر بن محمد اکمل، معروف به وحید بهبهانی (متوفی ۱۲۰۵ق) پس از ضعفی که در دروه اخباریان در امر اجتهاد پدید آمد، به تدریج استنباط را به بالاترین درجه کمال خود رهنمون شد. جنبشی که وحید بهبهانی در کربلا آغاز کرد، در نجف ثمر داد و با آمدن محمدمهدی بن مرتضی، مشهور به بحر العلوم (متوفی ۱۲۱۲ق)، از شاگردان وحید بهبهانی، حوزه نجف با پشت سر گذاشتن ناملازمات دوره اخباری‌گری، به دوره جدیدی گام نهاد. این واقعیت را نیز نباید از نظر دور داشت که

۱. برای مطالعه بیشتر در این باب رک: «تاریخ فقه و فقها» و «درآمدی به تاریخ علم اصول».

مجموعه انتقادهای دانشمندان اخباری و نیز میراث علمی آنان، به‌ویژه تلاش‌های آخرین فقیه نامدار این جریان، شیخ یوسف بحرانی و کتاب مهم فقهی او، الحقائق الناضرة، در بالندگی و شکوفایی این دوره جدید، تأثیر قابل توجهی داشته است.

عصر درخشش و کمال

دوره بعدی را که از قرن سیزدهم شروع می‌شود و تا زمان حال ادامه می‌یابد، می‌توان عصر کمال و اوج درخشش و زعامت علمی حوزه نجف دانست. با آغاز فعالیت علامه بحرالعلوم در نجف و عالمان و فقیهان بسیاری که به همت وحید بهبهانی تربیت شده بودند، حوزه نجف عظمت و شکوه خود را بازیافت و از نو به مرکز علمی جهان تشیع تبدیل شد. تلاش‌های شاگردان مستقیم و غیرمستقیم وحید بهبهانی معطوف مبارزه با اخباری‌گری و پاسخ‌گویی به شبهات آنان و اثبات نیاز به قواعد اصولی در استنباط شد. این کوشش‌ها ثمربخش بود؛ علم اصول را به کمال رساند و در زمینه فقه به‌طور محسوسی باب بحث، نقد و تحلیل موضوعات و کاوش در آرای پیشینیان و ادله آنان گشوده شد و سرانجام آن که جریان اخباری هرچند از میان نرفت، به شدت محدود شد.

شیخ انصاری از شاگردان سید محمد مجاهد و شیخ علی کاشف الغطاء و شیخ محمدحسن نجفی، مشهور به صاحب جواهر، در نجف بود و پس از وفات صاحب جواهر در سال ۱۲۶۶ق به مرجعیت شیعه نائل آمد. کتاب رسائل او از برترین نوشته‌های اصولی مذهب شیعه به‌شمار می‌رود؛ شیخ انصاری و آثار وی نقطه عطفی در تاریخ حوزه نجف و تحول علمی به‌شمار می‌آید.

۲. مؤلفه‌های مکتب فقهی نجف

شیوه استنباط در مکتب نجف را می‌توان در آثار قله‌های مهم علمی این حوزه به نظاره نشست. هرچند امروزه هنگامی که سخن از مکتب نجف به میان می‌آید، مکتب آیت‌الله خویی رحمته‌الله علیه اراده می‌شود، اما باید توجه داشت این مکتب بسیار قدیمی‌تر و با سابقه‌تر از آن است که به نیم قرن اخیر محدود و محصور گردد. تأمل در شیوه کار فقیهان نجف نشان می‌دهد مؤلفه‌هایی در استنباط برای آن‌ها مهم و اثرگذار بوده است که در روش آیت‌الله خویی رحمته‌الله علیه آن اهمیت را نداشته است؛ از این رو ایشان را می‌توان یکی از مکاتب و روش‌های موجود در نجف قلمداد کرد و تساوی‌انگاری مکتب نجف با ایشان را سخنی غیرفنی و به دور از دقت برشمرد.

تاریخ حوزه نجف با فقیهان برجسته‌ای نظیر شیخ طوسی رحمته‌الله علیه کار خود را آغاز می‌کند و بزرگانی چون محقق اردبیلی، سید بحر العلوم، وحید بهبهانی، صاحب جواهر و در نهایت شیخ انصاری هریک به‌نحوی آن مسیر را ادامه می‌دهند. در این میان، برشمردن ویژگی کار هریک از این بزرگان خود تحقیق و تألیف دیگری را می‌طلبد، اما می‌توان برای نمونه، به روش کار چند عالم و فقیه عظیم‌الشان این حوزه پرداخت.

در این بخش می‌کوشیم ویژگی‌های مکتب و مدرسه صاحب جواهر، شیخ انصاری، آیت‌الله خویی و شهید صدر را بررسی کرده و با امتیازات و ویژگی‌های هریک آشنا شویم.

یک. مکتب فقهی صاحب جواهر

شیوه فقه‌ای صاحب جواهر آن‌قدر برجسته و دقیق و عمیق است که بعدها به‌عنوان شیوه اصیل فقه‌ت در حوزه‌های شیعی مطرح شد و با عنوان «فقه جواهری» نشان‌دهنده فقه‌ت اصیل شیعی می‌گردد. صاحب جواهر در فقه‌ت، خود را محدود به قواعد اصولی و به اصطلاح فقه فنی

و فرمولی نمی‌کند، بلکه از عناصر گوناگونی در اجتهاد بهره می‌برد. تنوع عناصر دخیل در اجتهاد صاحب جواهر و پویایی فقاہت ایشان با عنایت به فهم عرفی، توجه به عنصر زمان و مکان، اعتنای ویژه به مذاق الشریعه، اعتنا به شهرت و اجماع (البته با لحاظ شرایط آن) از ویژگی‌های مهم فقاہت وی به شمار می‌آید. در ادامه به برخی از این موارد اشاره می‌شود.^۱

توجه به مکان و زمان در اجتهاد

اهم نکاتی که از رویکرد ایشان درباره عنصر زمان و مکان به دست می‌آید، به شرح زیر است:

- در مواردی، موضوعات احکام با تغییر زمان و مکان، قابل تغییر است.
- نفس احکام، دستخوش تغییر و تبدیل نخواهند شد.
- از آنجا که عرف در تشخیص موضوع، مرجع است و ممکن است عرف با تغییر زمان و مکان دچار تغییر شود، پس در مواردی، تغییر زمان و مکان در برداشت عرفی و در نتیجه در تشخیص موضوع تأثیر می‌گذارد.
- در فهم مراد متکلم مرجعیت عرف محکم است و از آن جا که عرف به تغییر و تبدیل زمان و مکان، تغییر می‌کند، پس تعیین مراد آن گوینده نیز وابستگی خاصی به تغییرات زمان و مکان دارد.
- در فقه به مواردی بر می‌خوریم که با توجه به ادله و قرائن، شارع به طور مستقیم و مستمر، موضوع را تحدید کرده است؛ بی‌شک در چنین جایی تغییرات زمان و مکان تأثیری نخواهد داشت.
- زمان و مکان می‌تواند در شدت و ضعف یک حکم تأثیر داشته باشد.

۱. ن. ک: مقاله «روش‌شناسی استنباط صاحب جواهر»، همه مطالب این بخش برگرفته از همین مقاله است.

گاهی شارع با توجه به علم به تغییرات زمان و مکان، حکمی را به صورت
تخیر بیان می‌کند.

نقش علم رجال و درایه در فقه جواهری
مرحوم صاحب جواهر با آنکه اولاً از اجماع و شهرت به سادگی نمی‌گذرد،
ثانیاً شهرت را جابر ضعف سند روایت می‌داند، ثالثاً اعراض اصحاب
را موهن می‌شمارد، رابعاً در مقام بحث و استدلال (نه در مقام فتوی) به
روایت‌های مرسل و ضعیف هم استناد می‌کند، خامساً برای مراسیل
بعضی از روایت جایگاهی قائل است، سادساً قائل به تسامح در ادله سنن
است و ...، در موارد بسیاری، از قواعد رجالی و درایه بهره گرفته است.

عنصر «مذاق» در فقه جواهری

مهم‌ترین ویژگی‌های فقه جواهری در زمینه «مذاق» از این قرار است:
افزون بر توجه و تأمل عمیق در نصوص خاص، فقیه باید «مذاق شرع»،
«مذاق فقه» و «مذاق عقلا» را نیز در استنباطات خود در نظر داشته باشد.
رعایت «مذاق عقلا» در اجتهاد، به آن است که در عین دقت‌های علمی و
فتنی، قواعد و اصول مسلم نزد عقلا را به فراموشی نسپرد.

به نظر می‌رسد دایره «مذاق شرع» از «مذاق فقه» و «مذاق امامیه»
گسترده‌تر باشد. «مذاق فقه» با ممارست در قرآن و سنت، به‌ویژه تأمل در
مصالح احکام به دست می‌آید، اما با وجود این، امری موهبتی است و
از این رو باید از خداوند، معرفت مذاق شرع و فقه را مسئلت کرد.

اگر فقهی به مذاق شرع شناخت پیدا کرد و از طرفی مشاهده نمود که
اجرای یک حکم الهی (اعم از مباح، مستحب و یا حتی واجب) در برهه‌ای
با مذاق شرع منافات دارد، می‌تواند از اجرای آن حکم جلوگیری کند. شاید
بتوان گفت مراد ایشان از مخالفت با «مذاق فقه» منافات یک فتوا یا حتی

یک احتمال با قواعد و اصول قطعی فقهی است؛ به‌گونه‌ای که فقیهی را یارای تفوه به آن فتوا یا احتمال نباشد.

سخت‌گیری بی‌مورد در احکام الهی و زشت جلوه دادن دین در نزد سایر عقلای عالم، از جمله موارد مخالفت با مذاق شرع به‌شمار می‌رود؛ همچنین باور به عدم لزوم اجرای تمام فقه در زمان غیبت - که لازمه انکار ولایت فراگیر فقیه می‌باشد - از جمله مصادیق مخالفت با مذاق فقه است.

جایگاه «اجماع» در فقه جواهری

با تأمل در عبارات‌های مرحوم صاحب جواهر و نیز سایر مواردی که به‌گونه‌ای مسئله اجماع در آنها مطرح گشته، این نکات استفاده می‌شود:

۱. حجیت اجماع، البته با همان نگرشی که علمای شیعه نسبت به اجماع دارند.

۲. قابل استناد بودن اجماع منقول، در صورت تحقق قیود و شروط آن.

۳. لزوم وجود صراحت یا ظهور در الفاظ دال بر اجماع و پرهیز از حکم به ثبوت اجماع به استناد إشعار بعضی کلمات.

۴. قابل استناد نبودن آن دسته از اجماعاتی که با توجه به مدارک و ادله دیگر، بطلان آنها قطعی است.

۵. مضر نبودن وجود مدارک دیگر در تمسک به اجماع؛ به عبارت دیگر، با تأمل در موارد بسیاری از جواهر درمی‌یابیم که آنچه اجماع مدرکی نامیده می‌شود، از نظر ایشان قابل استدلال است.

۶. دقت در معقد اجماع و اینکه شاید ریشه بعضی از اجماعات محکیه وجود اجماع در فرع دیگری باشد که به جهت تلازم بین دو فرع، در آن فرع هم ادعای اجماع شده که در این موارد اگر ملازمه را قبول نکردیم، خودبه‌خود ادعای اجماع هم از کار خواهد افتاد.

۷. با اجماع منقول نمی‌توان به منزله نص برخورد کرد.

۸. موهون شدن آن دسته از اجماعات منقول که شهرت محصله بین قدامای از فقها و محدثان برخلاف آن باشد؛ اگرچه تنافی معقد شهرت و معقد اجماع به عموم و خصوص مطلق باشد.
۹. اگر بر مطلبی، اجماع قدامای از فقها ثابت شد و این اجماع با ادله دیگر منافاتی نداشت، صرف مخالفت عده‌ای یا حتی مشهور متأخران نمی‌تواند به اجماع ضرر برساند.

دو. مکتب فقهی شیخ انصاری

شیخ انصاری در اصول و فقه جایگاه ویژه‌ای دارد. کتاب رسائل و مکاسب شیخ سال‌هاست محور تدریس حوزه‌های علمیه در سطوح عالی و حتی خارج است. نمی‌توان به سادگی از کنار نظرات و متون فقهی و اصولی شیخ عبور کرد. آنقدر استحکام و قوت در مبانی و بیان وی وجود دارد که هیچ پژوهشگری از مراجعه به آثار وی بی‌نیاز نیست.

در شیوه فقاہت شیخ انصاری یک نکته برجسته دیده می‌شود که در آثار کمتر فقیه‌ای تا این حد به چشم می‌خورد. شیخ در طرح احتمالات و به اصطلاح ایجاد امواج فکری در یک بحث بسیار توانمند و کم‌نظیر است. گاهی در یک بحث تا چندین موج ایجاد می‌کند. اشکال، پاسخ به اشکال، اشکال به اشکال، طرح حرف جدید، امواجی است که در یک بحث پدید می‌آورد. این نوع بحث نیازمند جولان فکری زیادی است که خاص شیخ است.

شیخ برای اقوال فقها، شهرت و اجماع اهمیت ویژه‌ای قائل است و ساده از کنار یک قول عبور نمی‌کند. در بررسی کلام فقها تبحر ویژه‌ای دارد و کلام یک فقیه را بسان متن یک روایت بررسی می‌کند و برای فهم صحیح از آن تلاش گسترده‌ای مبذول می‌دارد.

ویژگی‌های تفقه در آثار شیخ انصاری می‌توان ویژگی‌های اصلی فقه شیخ را در چند نکته زیر خلاصه کرد:

- تأسیس اصل پیش از شروع در هر مسئله؛
- بررسی نحوه طرح مسئله در کلام فقها؛
- بررسی تاریخ طرح هر مسئله؛
- بررسی ادله فقها و شرح و تفسیر کلام ایشان؛
- تلاش برای ارائه تفسیر صحیح از کلام فقها؛
- دقت در معنای لغوی و ترکیب ادبی عبارات؛
- جولان فکری فوق‌العاده در بررسی مسائل و فروع.

فقه شیخ انصاری، فقه تحلیلی

در یک جمع‌بندی می‌توان گفت فقه شیخ انصاری یک فقه تحلیلی است. برخی صاحب‌نظران از این نوع تفقه به مکتب تجميع ظنون نیز یاد کرده‌اند؛^۲ به این بیان که در این مکتب از ظنون مختلفی کمک گرفته می‌شود تا حکمی استخراج گردد. در این نوع از تفقه، نتیجه کار قابل پیش‌بینی نیست و تلاش فقهی، موج‌های اثبات و رد متعددی را پشت سر می‌گذارد تا به نتیجه نهایی نائل گردد. مانند شیوه شیخ اعظم انصاری رحمته الله علیه در کتاب شریف المکاسب که از شهرت، سیره و اجماع و... استفاده می‌کند و از مجموع همه این‌ها با هم، حکم نهایی را استنباط می‌کند و این در حالی است که هیچ‌گاه نمی‌توان از ابتدا، نهایت کار شیخ را پیش‌بینی کرد؛ یعنی متغیرهای بسیاری در رسیدن به حکم و نتیجه دخیل هستند.

۱. ن. ک: همین کتاب، «گذری بر شیوه فقاہت شیخ اعظم انصاری از نگاه اندیشمندان».

۲. تعبیر «فقه تحلیلی» از استاد مبلّغی و تعبیر «فقه تجميع ظنون» در آثار استاد علیدوست به چشم می‌خورد.